

نوشته:

گوردن بارکلی*

ترجمه:

نسرین مهرا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز

*. Barclay (Gordon C), Criminal Justice System in England and Wales. Second Edition, London, Home Office, 1993, 42 Pages

گفتنی است که مقاله حاضر به زبان های فرانسوی و لهستانی نیز ترجمه شده و در اینجا، علاوه بر زیرنویسهای اصل مقاله که با شماره های داخل برانتز در انتهای مقاله یکجا آمده است، زیرنویسهایی نیز در باورقی برای اطلاع بیشتر خوانندگان افزوده شده است. م



ژېړه شېکاه علوم انساني و مطالعات فرېښکې
پر تال جامع علوم انساني

۱- مقدمه

۱.۱. تفاوت‌های موجود در چگونگی تحول نظام حقوقی کشورهای که پادشاهی متحده^۱ را تشکیل می‌دهند، ایجاب می‌کند که هر یک از آنها به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند: یعنی از سوی، انگلستان و ولز، و از سوی دیگر، اسکاتلند و ایرلند شمالی. مقاله حاضر فقط به بررسی مختصر نظام عدالت کیفری انگلستان و ولز، آن طور که در پایان ۱۹۹۲ اعمال می‌شود، می‌پردازد.

۱.۲. در ۱۹۹۱، از ۵۵/۵ میلیون نفر جمعیت کل پادشاهی متحده، ۵۰ میلیون نفر در انگلستان و ولز زندگی می‌کردند. تقریباً $\frac{2}{3}$ جمعیت در مناطق شهری که ۱۴ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد، مستقر هستند.

در حال حاضر ۴/۹٪ درصد جمعیت بریتانیای کبیر (انگلستان و ولز و اسکاتلند) به گروه‌های قومی اقلیت متعلقند که اندکی بیش از $\frac{1}{3}$ آنها از آنتیل،^۲ گویان،^۳ هند یا پاکستان می‌باشند. اکثریت مهاجرانی که از

1. United Kingdom
2. Antilles (West Indian)
3. Guyanese

کشورهای مشترک المنافع^۴ آمده اند در مراکز بزرگ انگلستان استقرار یافته اند. در ۱۹۹۱ به طور متوسط ۸/۳٪ از جمعیت فعال در انگلیس و ولز بیکار بوده اند.

۲- تاریخچه تحولات حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری

۲.۱. خاستگاههای نظام حقوقی کنونی انگلستان و ولز به قرن دوازدهم، یعنی به زمان رشد سریع نهادهایی که به دنبال فتح انگلیس به وسیله دوک نورماندی^۵ در ۱۰۶۶ ایجاد شد، باز می گردد. نظامهای حقوقی که تا آن زمان، در ۳۲ استان^۶ تشکیل دهنده انگلستان وجود داشت، در جزئیات آیین دادرسی نسبت به یکدیگر متفاوت بودند.

بر خلاف سایر کشورهای اروپایی که حقوق روم اساس حقوقی آنها را تشکیل می داد، نظام حقوقی انگلستان موسوم به «حقوق عرفی» به طور مستقلی متحول می شد. دودادگاه اصلی، اساس این نظام حقوقی را تشکیل می داد: دادگاه عوام^۷ و دادگاه شاهی^۸.

در حدود سالهای ۱۲۰۰، طبقه ای از حقوقدانان حرفه ای به وجود آمد که مجاز بودند به عنوان نماینده موکلین خود در جریان محاکمه حضور پیدا کنند.

در عین حال، این سیستم یک نظام متمرکز بود که می باید با ضرورت انجام تحقیقات و محاکمه محلی منطبق گردد. در این زمان، با توجه به مشکلات عملی، دادگاههای کامن لا^۹ (The assize) به وجود آمدند که به نوبه خود با تاسیس دادگاههای جزا^{۱۰} در ۱۹۷۲ (۱)، منسوخ گردیدند.

۲.۲. در ولز نظام حقوقی مستقلی به وجود آمده و تحول یافته بود، و حتی پس از اشغال این کشور به وسیله ادوارد اول انگلستان در ۱۳۰۲، هیچ

4. Commonwealth countries

5. Duke of Normandy

6. Counties

7. Commons Bench

8. Kings Bench

9. Common law courts

10. Crown court

کوششی در جهت جایگزین کردن حقوق انگلستان به جای این نظام حقوقی مستقل صورت نگرفت. سرانجام در ۱۵۳۵ بود که حقوق ولز در چهارچوب حقوق عرفی انگلستان ادغام گردید. از سوی دیگر، در اسکاتلند نظام حقوقی ای در حال تحول بود که اساس آن را حقوق روم تشکیل می داد. پس از ادغام پارلمانهای اسکاتلند، انگلستان و ولز در ۱۷۰۷، هیچ کوششی در جهت ادغام دو نظام حقوقی انگلستان و اسکاتلند صورت نگرفت، به طوری که حتی امروز این دو نظام در کنار هم به طور مستقل متحول می شوند.

۲.۳. حقوق انگلستان و ولز را می توان از دو جنبه به شرح ذیل مورد

بررسی قرار داد:

الف) حقوق عرفی

مرکب است از قواعد عمومی عرفی که از دیر باز به عنوان قانون کشور تلقی می گردیده است. بعضی قواعد مربوط به سلوک و رفتار، با توافق عمومی و اعمال آنها در دادگاهها از طریق آداب و رسوم به قانون تبدیل می شدند، و جرائم در چهارچوب این قوانین «جرائم عرفی» نامیده می شدند. (برای مثال ایجاد ترس و وحشت بین مردم و توطئه). یک بخش مهم از حقوق عرفی، رویه قضایی محسوب می شود که مبتنی است بر سوابق قضایی تاریخی.

ب) حقوق تقنینی یا حقوق ناشی از قانونگذاری

این حقوق عبارت است از کلیه قوانینی که با دستور مستقیم دولت در قالب «قوانین پارلمانی»^{۱۱} (قوانین مصوبه یا نوشته) تصویب می شوند یا قوانینی که در چهارچوب اختیارات پیش بینی شده به وسیله این قوانین وضع می گردند. بسیاری از جرائم عرفی را قوانین مصوبه نیز در خود پیش بینی کرده اند، بنابراین یک جرم همزمان می تواند جرم عرفی و جرم تقنینی باشد.

۲.۴. سایر مراجع نظام عدالت کیفری خاستگاه جدیدتری از به

11. The Statute Law.
12. Acts of Parliament

دادگاهها یا حرفه حقوقی دارند.

پلیس و سازمان زندانها در مقیاس ملی در قرن گذشته به وجود آمدند، سازمان مسوول کنترل تعلیق مراقبتی مجازات^{۱۳} در اوایل قرن حاضر و تشکیلات دادستانی سلطنتی (دادسرا)^{۱۴} در ۱۹۸۶ ایجاد شدند. تشکیلات فعلی آنها در نوشته حاضر به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرد.

۳- تشکیلات عدالت کیفری

دولت

۳.۱. سه سازمان دولتی و رسمی در انگلستان و ولز مسوولیت عدالت کیفری را به عهده دارند.

الف- وزارت کشور

این وزارت خانه به مسائل مربوط به حقوق جزا، پلیس، زندانها و سازمان مسوول کنترل تعلیق مراقبتی مجازات می پردازد. وزیر کشور مسوولیت کلی امنیت ملی را نیز به عهده دارد.

ب- وزارت دادگستری^{۱۵} L.C.D: لایحه جامع علوم انسانی

به مسائل مربوط به قوه قضائیه می پردازد و دادگاههای عالی (از جمله دادگاه جزا) و دادگاههای صلح را اداره می کند و مسوول معاضدت قضایی نیز می باشد.

LC^{۱۶} که عالی رتبه ترین مقام در سیستم قضایی است عضو هیأت وزیران و سخنگوی مجلس اعیان^{۱۷} می باشد.

13. Probation Service
14. Crown Prosecution Service
15. Lord Chancellor's Department
16. Lord Chancellor
17. House of Lords.

ج- تشکیلات دادستانی سلطنتی

(دادسرا)، به طور مستقل مسوول امر تعقیب تقریباً کلیه اعمال مجرمانه ای است که پلیس راجع به آنها شروع به تحقیق نموده است. این تشکیلات در راس خود DPP^{۱۸} (رئیس دادسرا) را که زیر نظر دادستان کل انجام وظیفه می کند، دارد.

کمیته های عدالت کیفری

۳.۲. گزارش قاضی آرد woolf (۲) بر این واقعیت تاکید کرده است که میان مراجع عدالت کیفری، به میزان اندکی همکاری محلی وجود دارد. این موضوع در گزارش مزبور منجر به تشکیل شورای مشورتی عدالت کیفری و نیز تشکیل ۲۴ کمیته منطقه ای در ۱۹۹۲ گردید که در چهارچوب آنها مسائل مبتلا به بیش از یک مرجع قابل طرح و بررسی است.

اعضای این کمیته ها عبارتند از نمایندگان عالی رتبه پلیس، سازمانهای مسوول کنترل تعلیق مراقبتی مجازات، تشکیلات دادستانی سلطنتی (دادسرا)، سازمان زندانها، قضات، قضات دادگاه صلح و وکلا. قوه قضائیه ریاست شورای مشورتی و کمیته های منطقه ای را به عهده دارد.

پلیس

۳.۳. در انگلستان و ولز حدوداً ۱۲۸۰۰۰ مامور پلیس وجود دارد (افسر، درجه دار و پاسبان) که همگی متعلق به ۴۳ واحد هستند. ۴۱ واحد از آنها (به استثنای منطقه لندن) مسوول مستقلی در راس خود دارند که در مقابل یک مقام محلی پلیس یا کمیته پلیس (۳) متشکل از شماری از منتخبین محلی (از جمله قضات دادگاه صلح محلی)، پاسخگو می باشند. در پلیس مرکزی^{۱۹} (که لندن و حومه را در برمی گیرد)، کمیسر اصلی پلیس

18. Director of Public Prosecution
19. Metropolitan Police

مرکز، به لحاظ اختیارات وسیعی که در زمینه امنیت دارد، مستقیماً در مقابل وزیر کشور مسوول می باشد.

بالاخره، کمیسر اصلی پلیس شهر لندن در مقابل شورای عمومی شهر لندن پاسخگو می باشد.

۳.۴. علاوه بر اعضای پلیس، حدود ۵۲۰۰۰ کارمند عادی در واحدهای پلیس به کار اشتغال دارند، حدود ۵۰۰۰ تن از آنها مسوول صدور برگ جریمه برای توقف غیر مجاز وسائل نقلیه می باشند. تعداد روز افزونی از آنها، بویژه در شهر لندن، به وسیله شهرداریهای محلی به این کار گمارده می شوند.

اداره بازرسی، تحت مدیریت رئیس کل بازرسی پلیس، وظیفه بازرسی مرکزی واحدهای پلیس را در وزارت کشور به عهده دارد. تعدادی مراجع خاص مسوول اجرای قانون نیز به منظور مبارزه علیه جرائم خاصی که غالباً با هم مرتبط هستند، ایجاد شده اند: برای مثال، واحدهای منطقه ای مبارزه با جرائم (۹)^{۲۰}، واحد مبارزه با تقلبهای عمده،^{۲۱} واحد ملی اطلاعات پیرامون مواد مخدر و واحد ملی اطلاعات پیرامون فوتبال.^{۲۲} مسائل ناشی از جرائم ارتكابی در قطارها و ایستگاههای قطار در صلاحیت پلیس حمل و نقل^{۲۳} انگلستان است. یک واحد مستقل مسوول امنیت موسسات تابعه وزارت دفاع است. علاوه بر آن، تعدادی واحدهای کوچک پلیس نیز وجود دارد که قانون آنها را به عنوان «نیروهای انتظامی اختصاصی» ایجاد نموده است، برای مثال پلیس پارکهای سلطنتی.^{۲۴} این نیروها دارای اختیارات محلی مشخص و معینی هستند.

20. Regional Crime Squads

21. Serious Fraud Squad

22. National Football Intelligence Unit

توضیح اینکه بازی فوتبال به عنوان یک ورزش محبوب مردم انگلستان دارای طرفداران و باشگاههای زیادی است. بازیها و مسابقات فوتبال غالباً همراه با خشونت و منجر به زد و خورد میان طرفداران تیمهای حریف می شود. لذا پلیس این کشور واحد ویژه ای را به منظور مبارزه و پیش گیری از خشونت‌های همراه با ناشی از مسابقات فوتبال در سازمان پلیس ایجاد نموده است.

23. British Transport Police

24. Royal Parks Police

دادگاهها^{۲۵}

۳۰۵. در ۱۹۷۲ به دنبال تصویب قانون راجع به دادگاهها (۱)، دادگاههای کامن لا^{۲۶} و دادگاههای کیفری^{۲۷} حذف شدند و به جای آنها فقط دادگاههای جزا^{۲۸} با صلاحیت ملی که می توانند در هر جای انگلستان و ولز به قضاوت پردازند، ایجاد گردیدند. دادگاه های اخیر از نظر سازمانی جزو دادگاه عالی^{۲۹} محسوب می شوند.

صلاحیت دادگاه جزا از یک سو، محاکمه جرائم و مجرمینی است که پرونده آنها همراه با کیفرخواست^{۳۰} به این دادگاه ارسال شده است و از سوی دیگر، تعیین مجازات برای اشخاصی است که به این دادگاه اعزام شده اند، و بالاخره دادگاه جزا نقش مرجع فرجامی را نیز برای تصمیمات دادگاههای پایین تر، از جمله موارد مربوط به صغار، ایفاء می کند.

قانون مزبور هیچ گونه محدودیت جغرافیایی در مورد منطقه ای که دادگاههای جزا می باید نسبت به آن صلاحیت داشته باشد، به وجود نیاورده است، حدود استان و شهرستان^{۳۱} هیچ اهمیت حقوقی برای محلی که محاکمه باید در آنجا صورت پذیرد، ندارد. در عمل، اکثریت پرونده هایی که دادگاه جزا باید به آن رسیدگی کند، با توجه به دادگاه صلحی که پرونده را ارسال داشته است، در مناسبترین محل رسیدگی و استماع می شود.

جرائم مهم به وسیله یک قاضی از دادگاه عالی^{۳۲} رسیدگی می شود و

۲۵. برای اطلاعات بیشتر راجع به طبقه بندی و سلسله مراتب دادگاهها در نظام کیفری انگلستان و ولز به

نمودار ضمیمه شماره ۱ رجوع شود.

26. The Courts of Assize

27. Quarter Sessions

28. Crown Court

29. The Supreme Court

30. Trial on Indictment

جرائم قابل کیفرخواست جرایم مهمی هستند که توسط قاضی و هیأت منصفه مورد بررسی قرار می گیرند.

31. District

32. High Court Judge

سایر جرائم ممکن است به وسیله یک قاضی سرکت^{۳۳} یا به وسیله یک رکورد^{۳۴} مورد رسیدگی قرار گیرند. امروزه حدود ۹۰ دادگاه جزا موسوم به «سرکتها»^{۳۵} در شش منطقه وجود دارد.

۳۶. جرائم ممکن است به طور اختصاری در یک دادگاه صلح^{۳۶} مورد رسیدگی قرار گیرد. این دادگاه به عنوان یک مرجع دارای صلاحیت اختصاری تعریف شده که تحت نظر یک یا چند قاضی صلح به رسیدگی می پردازد (۴). چنین دادگاهی در قلمرو دادگاههای خلاف یا دادگاههای پلیس مستقر می باشد، هر چند که در دیگر تجمعهای قضایی نیز ممکن است استقرار یابند. در دادگاه صلح هر پرونده یا به وسیله حداقل دو قاضی صلح (قضات غیر حرفه ای افتخاری)^{۳۷} یا به وسیله یک قاضی حرفه ای حقوق بگیر^{۳۸} که به تنهایی در دادگاهها انجام وظیفه می کند (۵) مورد رسیدگی قرار می گیرد. قضات صلح به وسیله مقام سلطنت (یعنی در واقع دولت) منصوب می شوند، هیچ گونه حقوقی دریافت نمی کنند^{۳۹} و در سن هفتاد سالگی بازنشسته می گردند. این قضات قبل از انتصاب، هیچ دوره آموزشی حقوقی را طی نکرده و معمولاً به طور تمام وقت در زمینه های کاری دیگر مشغول به فعالیت بوده اند. محاکمات در دادگاههای صلح بجز در مواردی که به جرائم اطفال رسیدگی می کنند، علنی است. قضات دادگاههای صلح معمولاً نمی توانند مجازاتهای حبس بیش از ۶ ماه و یا جریمه نقدی بیش از ۵۰۰۰ پوند را در احکام خود تعیین نمایند. برای جرائمی که ممکن است به یکی از دو صورت^{۴۰} اختصاری یا قابل کیفرخواست مورد رسیدگی قرار گیرند (رجوع کنید به بند ۴۰۴ همین نوشته)، در صورتی که مجازات شدیدتری ضروری به نظر برسد، برای

33. Circuit Judge قاضی تمام وقت دادگاههای جزا

34. Recorder قاضی پاره وقت دادگاه جزا

35. Circuits

36. Magistrates' Court.

37. Lay magistrates

38. stipendiary magistrate

۳۹. این قضات صرفاً هزینه های ناشی از کار خود را دریافت می دارند.

40. Offences Triable Either Way

تعیین میزان آن بزهکار ممکن است به دادگاه جزا اعزام گردد. دادگاههای صلح در انگلستان و ولز، در قالب بیش از ۵۰۰ دادگاه به صورت مستقل از یکدیگر و زیر نظر ۱۰۵ کمیته محلی دادگاههای صلح^{۴۱} به جرائم رسیدگی می کنند. در یک گزارش (۶) پیشنهاد شده بود که یک نهاد اداری برای دادگاهها حتی الامکان به صورت یک واحد مستقل ایجاد گردد. اما این پیشنهاد مورد قبول واقع نشد و امروزه به جای آن، پیشنهاد می گردد (۷) که دادگاهها تحت نظارت ۵۰ تا ۶۰ کمیته محلی دادگاههای صلح سازمان دهی شوند و منشیهای دادگاههای صلح کماکان به عنوان مشاوران حقوقی قضات و به عنوان مسوولان اداری دادگاهها به کار خود ادامه دهند، اما رئیس کل کارمندان دفتری مسوولیت اداره کارکنان کمیته محلی دادگاه را به عهده بگیرد.

۳۷. بعضی از دادگاههای صلح، به طور ویژه برای رسیدگی به جرائم صغار^{۴۲} تعیین شده اند. دادگاههای صغار از قضاتی که دارای آموزش خاصی هستند و صرفاً به اتهامات و تقاضاهای مربوط به نوجوانان رسیدگی می کنند، تشکیل شده است. این دادگاهها در اکثر موارد به جرائم اشخاص کمتر از ۱۸ سال که اتهام آنها همراه با اتهام اشخاص کبیر (۸) صادر شده است، رسیدگی می کنند. این دادگاهها مستقل از دیگر دادگاهها تشکیل شده و محاکمات آنها علنی نیست و حداقل از سه قاضی که در بین آنها باید حداقل یک مرد و یک زن یا یک قاضی حرفه ای وجود داشته باشد، تشکیل می شوند.

۳۸. دادگاههای بالاتر شامل دادگاه عالی است که خود تقسیم می شود به الف) دادگاه استیناف ب) دادگاه عالی عدالت^{۴۳} و ج) دادگاه جزا.^{۴۴} شخصی که در دادگاه صلح محکوم شده است، می تواند از رای دادگاه جزا فرجام خواهی کند، شخص محکوم شده در دادگاه جزا می تواند از حکم صادره در دادگاه استیناف، پژوهش خواهی و بالاخره در دیوان کشور،^{۴۵} فرجام خواهی نماید. تجدید نظر شکلی و ماهوی نسبت به تصمیمات

41. Local Magistrates' Courts Committee

42. Youth Courts

43. The High Court of Justice

44. Crown Court

45. The House of Lords

دادگاههای صلح، در صلاحیت دادگاه ملکه^{۳۶} که شعبه‌ای از دادگاه عالی عدالت است، می‌باشد. این دادگاه صلاحیت محدودی نسبت به موارد رسیدگی شده در دادگاه جزا دارد.

عالی‌ترین دادگاه کشور، مجلس لردها یا دیوان کشور است. این دیوان متشکل است از لردان استیناف که از میان حقوقدانان برجسته - معمولاً از میان قضات دادگاه استیناف - انتخاب و به صورت مادام‌العمر به این کار گمارده می‌شوند و بدین ترتیب از اعضای مجلس اعیان محسوب می‌گردند. این قضات به رسیدگی مواردی می‌پردازند که اهمیت و منافع عمومی دارد و در قالب پژوهش‌خواهی از دادگاه عالی به آنها ارجاع می‌گردد.

سازمان مسوول کنترل تعلیق مراقبتی مجازات

۳.۹. هر یک از ۵۵ منطقه تعلیق مراقبتی^{۳۷} در انگلستان و ولز، دارای یک کمیته مسوول تعلیق مراقبتی است. اکثر اعضای این کمیته از قضات دادگاههای صلح محلی می‌باشند و بقیه اعضاء از افراد دیگر مشاغل اجتماعی هستند.

۳.۱۰. حدود ۷۱۵۰ مأمور تعلیق مراقبتی در پایان سال ۱۹۹۱، اجرای احکام محکومیت بزهکاران، از جمله کنترل تعلیق مراقبتی، خدمات عمومی عام‌المنفعه، تعلیق ساده مجازاتها و پرداخت جریمه‌های نقدی را نظارت می‌کردند. بزهکاران زندانی نیز قبل و بعد از آزادی، چه اجباراً از نظر قانونی و چه به صورت داوطلبانه، تحت نظارت قرار دارند. قواعد و مقررات ملی راجع به نظارت بر بزهکاران در جامعه، بعد از بحث و مشورت با سازمانهای مسوول کنترل تعلیق مراقبتی، در دست تصویب قرار می‌گیرند. حدود ۱۰٪ از منابع مالی موجود، برای انجام وظائف مأموران تعلیق مراقبتی در محل به حل و فصل مسائل مدنی از جمله مسائل خانوادگی و قیمومیت قضایی اختصاص دارند.

46. The Queen's Bench

47. Probation

۳۱۱. اداره بازرسی تحت مدیریت بازرس اصلی تعلیق مراقبتی،^{۴۸} کارهای سازمان را نظارت و کنترل می کند. مشروح مذاکرات ارائه شده توسط وزارت کشور درباره کنترل تعلیق مراقبتی در سال ۱۹۹۰، اشاره می کند به وجود قصد و برنامه مبنی بر تجدید نظر در بعضی از ساختارهای سازمان مزبور (۹). با ملاحظه مشروح این مذاکرات احساس می شود که کارهای افتخاری و داوطلبانه و بخش خصوصی ممکن است در آینده نقش فزاینده ای در زمینه نظارت بر بزهکاران ایفاء کنند. (۱۰)

سازمان زندانها

۳۱۲. سازمان زندانها که از نظر تشکیلاتی جزو وزارت کشور قرار دارد در ۲۸ اوت ۱۹۹۲ در مؤسسات تابعه خود ۴۶/۵۰۰ زندانی نگهداری می کرده است. این سازمان در ۱۵ حوزه جغرافیایی تحت نظارت یک مدیر کل که کمیسیون زندانها^{۴۹} (۱۱) را نیز ریاست می کند، سازمان داده شده است. مؤسسات زندانها به مؤسسات ویژه زنان محکوم، ویژه جوانان زندانی (جوانان زیر ۲۱ سال) و ویژه زندانیان بزرگسال و جوان که در بازداشت احتیاطی بسر می برند، تقسیم شده اند. در اول اکتبر ۱۹۸۸، مؤسسات ویژه جوانان بزهکار^{۵۰} جایگزین مراکز بازداشت^{۵۱} ویژه جوانان بزهکار و ندامتگاههای ویژه بزهکاران جوان^{۵۲} شده اند. قواعد و مقررات حاکم بر مؤسسات زندانها نخست در قانون^{۵۳} مربوط به زندانها (۱۲) مصوب ۱۹۶۴ (۱۳) برای زندانیان بزرگسال و در اساسنامه قانونی^{۵۴} مربوط به نهادهای ویژه جوانان بزهکار مصوب ۱۹۸۸ (۱۴) تبیین شده است.

48. Her Majesty's Chief Inspector

49. Prison Board

کمیسیون زندانها یا هیات مدیره زندانها مرجعی است که بر اساس قانون ایجاد شده است.

50. young offenders Institution

51. Detention centres

52. Youth custody centres

53. Act

54. Statutory Instrument

۳.۱۳. تشکیلات کنونی مؤسسات زندانها در چهارچوب پیشنهاد موسوم به «آغازی نوین»^{۵۵} در سالهای ۸۸-۱۹۸۷، به منظور تحقق انعطاف پذیری بیشتر در مدیریت و اداره زندانها ایجاد شده است. ساعات کار زندانبانان، به دنبال برنامه استخدام وسیع زندانبانان جدید، به طور محسوس کاهش داده شد. از اول آوریل ۱۹۹۳، تصمیم مارس ۱۹۹۲ مبنی بر تبدیل سازمان زندانها به یک سازمان اداری مستقل،^{۵۶} به دنبال توصیه ها و پیشنهادهای مندرج در گزارش دریا سالار سرریموند لیگو (۱۵)،^{۵۷} اعلام شد.

بنابر این از این پس سازمان زندانها به وسیله کمیسیون مدیریت به ریاست یک مدیر کل که از طریق استخدام عمومی تعیین و منصوب می شود، اداره می گردد. مدیر کل مستقیماً در مقابل وزیر کشور مسؤول می باشد. کمیسیون نظارت، تحت ریاست وزیر نظر مسؤول زندانها در چهارچوب وزارت کشور نیز ایجاد شده است.

تشکیلات دادستانی سلطنتی^{۵۸} (داسرا) (CPS)

۳.۱۴. تا سال ۱۹۸۵، پلیس مقام اصلی مسؤول تعقیب بود. تشکیلات دادستانی سلطنتی (۱۶) نخست در لندن و حومه^{۵۹} و سپس در سراسر انگلستان و ولز به عنوان مرجع ملی تعقیب، مستقر و شروع به کار نمود. مع ذلک قبل از ایجاد CPS تعدادی واحدهای پلیس شروع به سازمان دهی مجدد خود در زمینه کیفیت تعقیب کرده بودند و بدین منظور واحدهای حمایتی اجرایی یا اداری مرکزی را برای آماده کردن پرونده به منظور شروع تعقیب، ایجاد نمودند. CPS بیش از ۱۰۰ دفتر محلی دارد که مسؤول هدایت جریان کلیه تعقیبهای آغاز شده به وسیله پلیس است. (بجز بعضی تخلفات راهنمایی و رانندگی خفیف که در مورد آنها متهم با قبول

55. Fresh start

56. Executive Agency

57. Admiral Sir Rymond Lygo

58. Crown Prosecution Service

59. Metropolitan Area

مجرمیت از خود دفاع می کند). امروزه CPS در ۳۱ منطقه سازمان دهی شده است که انگلیس و ولز را تحت پوشش خود قرار می دهد. معمولاً هر یک از آنها با یک یا، گاهی، دو واحد پلیس را در برمی گیرد. مناطقی که دادستان اصلی سلطنتی^{۶۰} را در راس خود دارند، به نوبه خود به دو شعبه یا بیشتر تقسیم می شوند. یک دفتر مرکزی نسبتاً کوچک نیز در لندن وجود دارد. CPS می تواند پس از بررسی مدارک ارائه شده به وسیله پلیس، به لحاظ عدم کفایت دلایل یا به لحاظ مصالح و منافع عمومی، قرار منع تعقیب پرونده را صادر نماید.

۴- آیین دادرسی در نظام عدالت کیفری

کشف و اتهام

۴-۱. به دنبال کشف و دستگیری فرد متهم به ارتکاب جرم است که پلیس حق انتخاب یکی از این طرق را دارد:

توقیف تعقیب^{۶۱}

پلیس ممکن است به لحاظ عدم کفایت دلایل یا بدین جهت که اخطار غیر رسمی به متهم کافی به نظر می رسد، تصمیم به عدم تعقیب پرونده را بگیرد. از جمله این موارد باید به مصونیتی که افراد کمتر از ده سال دارند، یعنی افرادی که از نظر کیفری مسؤول نیستند (۱۷) و ممکن است موضوع اقدامات مدنی واقع شوند، اشاره کرد.^{۶۲}

60. Chief Crown Prosecutor

61. No Further Action

۶۲. اطفال بین ۱۰ تا ۱۴ سال از نظر کیفری مسؤول تلقی نمی شوند.

اخطار رسمی^{۶۳}

زمانی که بزهکار اقرار به مجرمیت خود می نماید، دلیل کافی برای صدور حکم محکومیت وی وجود دارد، بزهکار به آن محکومیت رضایت می دهد و به نظر می رسد که در این مورد اقامه دعوی کیفری در جهت منافع عمومی نباشد، در این صورت ممکن است اخطار رسمی به وسیله یک افسر ارشد پلیس به او داده شود. اگرچه این روش غالباً در باره جوانان و بزهکاران بی سابقه مورد استفاده قرار می گیرد، لیکن امروزه بیش از پیش در قبال بزهکاران مسن تر و بزهکاران مکرر نیز اعمال می گردد.

اتهام^{۶۴}

زمانی که شخصی به عنوان متهم مورد تعقیب قرار می گیرد، قانون حضور هر چه سریعتر وی را در مقابل دادگاه صلح لازم می داند. از سوی دیگر، پلیس یا هر شخصی دیگر می تواند اقامه شکایت^{۶۵} نماید، به طوری که دادگاه متهم را ملزم به حضور نماید و یا دستور توقیف وی را به پلیس بدهد (۱۸). قرار یا دستور توقیف^{۶۶} تنها در موارد زیر ممکن است صادر گردد: الف) زمانی که جرم از نوع قابل کیفرخواست یا مستوجب کیفر حبس باشد یا ب) زمانی که نشانی متهم به اندازه کافی برای ابلاغ برگ احضاریه، روشن نیست. هیچ یک از بخشهای قوه مجریه یا قوه قضائیه نمی توانند به پلیس دستور اقامه (یا عدم اقامه) دعوی کیفری را در موردی مورد خاص بدهد. حتی در مورد وزرا (۱۹). مع ذلک، با تأسیس دادسرای مجزا در سال ۱۹۸۶، یعنی تشکیلات دادستانی سلطنتی، امروزه اختیار ادامه تعقیب و یا عدم ادامه دعوی بر حسب مورد، از اختیارات تحقیق، توقیف و اتهام که از آن پلیس است، جدا است.

63. Cautioning

64. Charging

65. Lay An Information

66. Warrant of Arrest

امروزه دادستان سلطنتی،^{۶۷} مطابق معیارهای ناشی از قانون راجع به دادستانهای سلطنتی^{۶۸} اختیار رسیدگی مجدد به کلیه اتهامهایی را دارد که به وسیله پلیس وارد شده است را دارد (به استثنای بعضی تخلفات کم اهمیت)،^{۶۹} و دادستان سلطنتی می تواند، به موجب بند ۳ ماده ۲۳ قانون ۱۹۸۵ راجع به تعقیب جرائم^{۷۰} در صورتی که به نظر وی دلایل ارائه شده در مورد دعوی مطروحه در مقابل دادگاه کافی نبوده و یا به مصلحت جامعه نباشد آن را متوقف نماید. دادستانها و یا نمایندگان آنان از اتهام و مجرمیت صادره در مقابل دادگاه صلح دفاع می کنند، حال آنکه در مقابل دادگاه جزا، دفاع از اتهام به وسیله وکلایی^{۷۱} که تشکیلات دادستانی سلطنتی آنها را انتخاب می نماید صورت می گیرد.

توقیف احتیاطی یا آزادی با اخذ وثیقه^{۷۲}

۴۲- دادگاه صلح می تواند در هر زمان، رسیدگی به دعوایی را به تعویق بیندازد و در این صورت یا تصمیم به توقیف احتیاطی^{۷۳} متهم می گیرد و یا وی را به قید ضمانت^{۷۴} یا بدون ضمانت به طور موقت آزاد می سازد. به موجب مواد قانون ۱۹۷۶ (۲۰) راجع به آزادی به قید کفالت یا وثیقه، حق کلی متهم نسبت به آزادی موقت وجود دارد، اگر چه دادگاه می تواند از اعمال این حق در موارد خاص جلوگیری نماید. برای مثال: وقتی که دادگاه بنا به دلایل محکمی معتقد است که چنانچه متهم به صورت موقت آزاد شود از تسلیم خود به مراجع قانونی خودداری خواهد ورزید، یا اینکه پس از آزادی موقت مرتکب جرم خواهد شد، یا اینکه سعی در تطبیع شهود خواهد کرد، یا اینکه به طرقی مانع جریان عادی عدالت خواهد شد. دادگاه صلح می تواند متهم را تا ۸ روز قبل از تعیین جلسه استماع در

67. Crown Prosecutor

68. The Code for Crown Prosecutor

69. Minor Offences

70. Prosecution Of Offences Act 1983

71. Barristers

72. Remand

73. Custody

74. Bail

بازداشت احتیاطی نگهدارد، لیکن پس از آن می‌تواند او را تا ۲۸ روز در بازداشت نگهدارد، مشروط بر اینکه متهم در دادگاه حضور داشته باشد و قبلاً برای همان جرم در بازداشت احتیاطی به سر ببرد. (ماده ۱۲۸-۱ قانون ۱۹۸۰ راجع به محاکم صلح).^{۷۵}

۴.۳. علاوه بر دلایل فوق‌الذکر که دادگاه می‌تواند به استناد آنها از اعطای آزادی موقت امتناع ورزد، دادگاه می‌تواند صغیر کمتر از ۱۷ سال را نیز بنا بر تشخیص خود، به منظور حمایت از وی، در بازداشت نگهدارد. صغاری که دادگاه از اعطای آزادی موقت به آنها خودداری می‌کند، در مؤسسات محلی نگهداری می‌شوند، به استثنای پسران ۱۵ یا ۱۶ ساله که ممکن است، به منظور حمایت مردم از خسارات شدید احتمالی که آنها وارد خواهند کرد، در زندان نگهداری شوند. دولت متعهد شده است که هرگاه تعداد کافی محلهای مطمئن به وسیله مقامهای محلی در اختیارش گذارده شود، به بازداشت احتیاطی جوانان در زندان خاتمه دهد.

انواع جرائم

۴.۴. سه نوع جرم جدا از هم وجود دارد (۲۱):

الف) جرائمی که فقط بر اساس کیفرخواست^{۷۶} قابل تعقیب است: یعنی شدیدترین موارد نقض مقررات قانون جزا که قابل محاکمه به وسیله قاضی و هیأت منصفه در دادگاه جزا است. این جرائم قابل محاکمه بر اساس کیفرخواست است و شامل قتل عمد، قتل غیر عمد، تجاوز به عنف و سرقت مسلحانه می‌شود.

ب) جرائم قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری و یا قابل کیفرخواست،^{۷۷} جرائمی هستند که در دادگاه جزا بر اساس کیفرخواست و یا در دادگاه صلح به صورت اختصاری قابل محاکمه هستند.

ج) جرائم قابل محاکمه به صورت اختصاری،^{۷۸} که در دادگاههای

75. Magistrates' Courts Act 1980

76. Indictable offences

77. Either Way Offences

78. Summary Offences

صلح رسیدگی شده و بیشتر شامل خلافهای راهنمایی و رانندگی می شوند. خسارت جزایی^۶ چنانچه ارزش مال مورد نظر بیش از ۲۰۰۰ پوند نباشد جرمی اختصاری است، در غیر این صورت جرم قابل محاکمه به صورت اختصاری یا جرم قابل کیفرخواست محسوب خواهد شد.

طرز رسیدگی دادگاههای صلح

۴.۵. هر ساله حدود دو میلیون متهم در دادگاههای صلح مورد تعقیب و محاکمه قرار می گیرند: ۴۹۶/۰۰۰ از آنها برای جرائم قابل کیفرخواست (که شامل جرائم قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری یا کیفرخواست) و ۵۷۰/۰۰۰ نفر از آنها برای جرائم غیر از راهنمایی و رانندگی و ۸۹۰/۰۰۰ نفر برای جرائم راهنمایی و رانندگی قابل محاکمه به صورت اختصاری مورد تعقیب قرار می گیرند. هنگامی که به نظر تشکیلات دادستانی سلطنتی (دادسرا)، دلایل برای محکومیت کافی نیستند و یا محکومیت در جهت منافع عموم نیست، می تواند از اختیارات خود برای توقف دعوی، چه قبل و چه بعد از استماع به موجب ماده ۲۳ قانون ۱۹۸۵ راجع به تعقیب جرائم استفاده نماید. و یا می تواند عنداللزوم در صورت وجود دلایل کافی، فرد را به خاطر اتهام دیگری تحت تعقیب قرار دهد. در ۱۹۹۱، دادسرا تقریباً در ۱۷۰/۰۰۰ مورد، قرار موقوفی تعقیب صادر نمود.

۴.۶. در حدود ۱/۵ جرائم قابل کیفرخواست (شامل جرائم قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری و قابل کیفرخواست) هر سال به دادگاه جزا ارجاع می شوند. علل این ارجاعها، به شرح زیر است:

الف) یا جرم تنها بر اساس کیفرخواست قابل تعقیب است؛

ب) یا جرم قابل محاکمه به هر یک از دو صورت قابل کیفرخواست و یا اختصاری است که به دستور دادگاه صلح یا به انتخاب متهم، برای محاکمه به دادگاه ارجاع می گردد؛

ج) یا جرم قابل محاکمه به هر دو صورت قابل کیفرخواست و یا اختصاری است و دادگاه این اعتقاد را دارد که مجازات قابل اعمال بیش از محدوده صلاحیت وی است (بیش از ۶ ماه حبس یا ۵۰۰۰ پوند جریمه نقدی)، در این صورت متهم برای تعیین مجازات به دادگاه جزا اعزام می شود.

۴۷. برای جرائمی که تنها بر اساس کیفرخواست تعقیب می شوند، وقتی که شخص متهم دارای وکیل است، دادگاه صلح می تواند با موافقت وی و بدون بررسی دلایل موجود، شخص متهم را برای محاکمه به دادگاه جزا اعزام دارد.

در دیگر موارد دادگاه صلح باید به اعتبار دلایل رسیدگی نماید و در این خصوص که آیا این دلایل برای ارجاع مورد به دادگاه بالاتر برای محاکمه کافی هستند یا خیر، تصمیم بگیرد. در غیر این صورت متهم باید آزاد گردد.

۴۸. برای جرائم قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری و قابل کیفرخواست، قضات صلح باید تصمیم بگیرند که آیا مورد مطروحه شدیدتر از آن است که موضوع رسیدگی اختصاری قرار گیرد یا خیر؟ قضات صلح در هنگام تصمیم گیری، به هیچ وجه در جریان وضعیت متهم و یا سوابق کیفری احتمالی وی نیستند. اگر قضات به این باور باشند که مورد باید به صورت اختصاری رسیدگی شود، متهم در عین حال می تواند حق خود را مبنی بر محاکمه شدن به وسیله هیأت منصفه، اعمال نماید که در این صورت مورد به دادگاه جزا ارجاع خواهد شد. نزدیک به $\frac{2}{3}$ از موارد ارجاعی، بر اساس تصمیم قضات صلح صورت می گیرد. وقتی که یک مورد قابل محاکمه به صورت اختصاری یا کیفرخواست ارجاع می گردد، همان آیین ارجاع که برای جرائم قابل کیفرخواست اعمال می شود، قابل اجرا است (رجوع شود به بند ۷-۴ مقاله)

۴۹. به کرات اتفاق می افتد که شخصی در ارتباط با چند جرم، متهم اعلام شود که بعضی از آنها قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری و یا قابل کیفرخواست و بعضی در چهارچوب رسیدگی اختصاری (۲۲) تعقیب

می شود. اگر جرائم قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری و یا قابل کیفرخواست به دادگاه جزا ارجاع گردد، بعضی جرائم قابل محاکمه به صورت اختصاری نیز ممکن است به کیفرخواست اضافه گردد. برای مثال راندن خودرو زمانی که پروانه رانندگی ضبط شده است، یا شروع به ایراد ضرب و جرح یا تملک خودرو بدون اجازه مالک. لیکن دادگاه جزا تنها می تواند به همان روش معمول در دادگاه صلح به آنها رسیدگی نماید. سایر جرائم باید به صورت اختصاری مورد رسیدگی قرار گیرند.

طرز رسیدگی قضات صلح

۴-۱۰. در محاکمات اختصاری، دادگاه متهمی را که در محکمه حضور دارد از اتهامات وارده مطلع نموده و از وی سؤال می کند که آیا مجرمیت خود را می پذیرد یا خیر؟ چنانچه متهم مجرمیت خود را نپذیرد، دادگاه باید پس از استماع دلایل تقدیمی به وسیله طرفین، یا متهم را محکوم، یا وی را تبرئه نماید. اگر متهم مجرمیت خود را قبول نماید (در چهارچوب ماده ۱۲ قانون ۱۹۸۰ راجع به دادگاههای صلح - این موضوع ممکن است در خصوص پاره ای جرائم به وسیله پست صورت بگیرد)، دادگاه می تواند بدون توجه به دلایل وی را محکوم نماید. اگر دادستان در دادگاه حضور پیدا کند، لیکن متهم آن طور که از وی خواسته شده است در دادگاه حاضر نشود، دادگاه می تواند به محض حصول اطمینان از اینکه احضاریه به متهم ابلاغ شده است در غیاب وی به موضوع رسیدگی نماید و یا جریان استماع و محاکمه را به تعویق بیندازد. اگر متهم در دادگاه حاضر شود، لیکن دادستان یا نماینده وی حضور نداشته باشد، دادگاه می تواند یا متهم را تبرئه نماید یا جلسه رسیدگی را به تعویق بیندازد. وقتی که مجرمیت متهم احراز می شود، دادگاه می تواند یا فوراً اقدام به صدور حکم نماید یا در صورتی که تحقیقات یا اقدامات تکمیلی قبل از صدور حکم ضروری باشد، صدور آن را به تعویق بیندازد.

محاكمه به وسيله هيات منصفه

۴۱۱. هیأت منصفه متشکل است از ۱۲ عضو که به دلخواه از میان کلیه اشخاص ۱۸ تا ۷۰ ساله که اسامی آنها در سیاهه «انتخاب کنندگان» برای شرکت در انتخابات منعکس شده است، برگزیده می شوند. اعضای هیأت منصفه سوگند یاد می کنند که «پرونده را به طور دقیق و واقعی رسیدگی نموده و حکم منصفانه ای مبتنی بر دلایل موجود صادر نمایند. وظیفه هیأت منصفه استماع شهادت شهود و توجه به سایر دلایل ارائه شده و صدور حکم محکومیت یا برائت متهم است. متهم حق دارد که هر یک از اعضای هیأت منصفه را بنا بر دلیل معینی جرح نماید، لیکن نمی تواند بدون دلیل این امر را انجام دهد (۲۳). اتفاق آرای اعضای هیأت منصفه در محاکمات جزایی ضروری نیست، لیکن حکم باید مبتنی به اکثریتی شامل ده رأی موافق باشد. در صورت احراز مجرمیت و محکومیت به تشخیص هیأت منصفه، قاضی مبادرت به تعیین مجازات و صدور حکم می نماید. در صورت محکومیت، محکوم علیه می تواند از حکم صادره در دادگاه استیناف و سپس در دیوان کشور به ترتیب پژوهش و فرجام خواهی کند. همچون دادگاه صلح، دادگاه جزا نیز می تواند قرار جبران خسارت بزه دیدگان را صادر نماید. اخیراً قانونگذار، این امر را در قالب قوانین جدید تشویق کرده و تعمیم داده است. (۲۴) دادگاه می تواند محکوم را ملزم به پرداخت تمام و یا بخشی از هزینه ها و مخارج ناشی از تعقیب کیفری بنماید. در صورت برائت، دادگاه می تواند دولت را مکلف به پرداخت هزینه ها و مخارج متهم نماید.

آیین رسیدگی معمول نسبت به صغار بزهکار

۴۱۲. اطفال بین ۱۰ تا ۱۷ سال تمام به وسیله دادگاههای ویژه صغار (دادگاه جوانان) مرکب از قضات صلح، آموزش دیده برای این منظور، محاکمه می شوند. این دادگاهها از اول اکتبر ۱۹۹۲ (۲۵) ایجاد

شده اند و جانشین دادگاههای اطفال سابق شده است^{۱۳} که فقط به جرائم مجرمین جوان تا ۱۶ سال تمام رسیدگی می کرد. اصولاً محاکمات در این دادگاهها غیرعلنی بوده و فقط اعضاء و کارمندان دادگاه و نیز طرفین دعوا (معمولاً والدین یا سرپرستان آنها و وکلای آنها)، شهود و نمایندگان مطبوعات حق حضور دارند. مطبوعات می توانند گزارش محاکمات را به اطلاع عموم برسانند، لیکن هویت صغار نباید فاش شود. صغار بدون توجه به نوع جرم ارتكابی، در این دادگاههای ویژه محاکمه می شوند، مگر اینکه:

الف - اتهام آنان، قتل (یعنی قتل عمد یا قتل غیر عمد) باشد که در این صورت باید برای محاکمه به دادگاه جزا اعزام شوند.

ب - صغار، ۱۴ سال تمام یا بیشتر داشته و متهم به ارتكاب جرمی شده باشد که این جرم معمولاً برای شخص بالغ، محکومیتی معادل حداقل ۱۴ سال حبس را در برداشته باشد. اگر نظر دادگاه ویژه صغار بر آن باشد که برای محکوم علیه، مجازاتی بیش از آنچه که در صلاحیت قانونی اش است، تعیین کند، باید پرونده چنین مجرم صغیری را برای محاکمه به دادگاه بالاتر، یعنی دادگاه جزا، ارسال نماید.

ج. این نظام جدید که از اکتبر ۱۹۹۲ به اجرا گذاشته شده است نسبت به افراد ۱۷ ساله در خصوص موارد قبل از محاکمه (یعنی در ارتباط با اختیارات پلیس در مورد بازداشت احتیاطی) معمول نمی گردد و با آنها مانند بزرگسالان رفتار می شود.

محاکمه و تعیین مجازات

۴.۱۳. به موجب مواد قانون جدید ۱۹۹۱ راجع به عدالت کیفری، مجازات باید متناسب با شدت جرم ارتكابی باشد، مع ذلک اعمال مجازات حبس ممکن است، به لحاظ ضرورت حفظ امنیت عمومی در مقابل خطرات احتمالی ناشی از مجرم جنسی یا مجرم خشن توجیه گردد. قاضی دادگاه صلح

یا قاضی دادگاه جزا برای تصمیم‌گیری راجع به مجازات موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- اوضاع و احوال ارتکاب جرم که به دادگاه ارائه می‌شود. به علاوه مجرمی که با قبول مجرمیت به دفاع از خود می‌پردازد ممکن است ارتکاب جرایم مشابه دیگری را نیز بپذیرد. در این صورت دادگاه این رویه را اتخاذ کرده است که برای ارتکاب جرایم اخیرالذکر، متهم را محکوم نمی‌کند، لیکن در هنگام تعیین مجازات برای جرم اولی، جرایم مشابه را مورد توجه خود قرار می‌دهد.

ب- وضعیت مجرم: دادسرا اطلاعات مربوط به وضعیت شخصی و خانوادگی، و نیز سوابق کیفری و مجازات‌های تحمیلی به بزهکار را ارائه می‌دهد. به علاوه در موردی که جرم ارتکابی از نوع شدید باشد، معمولاً یک گزارش مقدماتی که اطلاعات تفصیلی را ارائه می‌دهد به وسیله مامور تعلیق مراقبتی (Probation officer) تهیه و قبل از تعیین مجازات به دادگاه ارسال می‌شود.

این گزارش حاوی اطلاعاتی راجع به منش، شخصیت، محیط اجتماعی و خانوادگی متهم، تحصیلات و شغل احتمالی وی و احتمالاً اظهار نظری راجع به اعمال ضمانت اجراهای غیر سالب آزادی نسبت به وی می‌باشد.

ج- دفاعیات: در موارد نسبتاً مهم، متهم یا همراه یک وکیل^{۸۲} یا به اتفاق یک مشاور حقوقی^{۸۳} حضور می‌یابد. وکیل در دفاعیات خود کیفیات مخففه را مطرح می‌کند، توضیحات مربوط به جرم و اوضاع و احوال ارتکاب آن را که متهم، یعنی موکلش، به وی ارائه داده است به نفع وی به دادگاه تقدیم می‌نماید.

۱۶. اکثریت مجرمین در رابطه با «جرایم اختصاری» محکوم به پرداخت جریمه نقدی می‌شوند (۹۳ درصد برای جرایم راهنمایی و رانندگی و ۸۴ درصد برای جرایم غیر راهنمایی و رانندگی). قانون ۱۹۹۱ راجع به عدالت کیفری، نظام جریمه‌های تفکیک شده برای اشخاص محکوم به تحمل کیفر نقدی به وسیله دادگاههای صلح را وارد حقوق

82. Barrister (counsel)

83. Solicitor

انگلستان و ولز کرده است. (۲۶) این نظام پس از آزمایش و تجربه در ۴ دادگاه، قطعی گردید (۲۷). این نظام جدید، مشابه نظام روزهای جزایی^{۸۴} یا جریمه های روزانه معمول در کشورهای دیگر است، با این تفاوت که نظام جدید در انگلیس براساس درآمد هفتگی تعیین می شود تا درآمد روزانه. برای جرائمی که صرفاً قابل محاکمه براساس کیفرخواست هستند و جرائمی که قابل محاکمه یکی از دو صورت کیفرخواست و یا اختصاری می باشند، بیشتر از یک سلسله ضمانت اجراهای کیفری یا قرارهای مختلف استفاده می شود، اگر چه جریمه معمولترین مجازات برای جرائم قابل محاکمه به یکی از دو صورت اختصاری و قابل کیفرخواست است. مجازاتهای اصلی به شرح ذیل است:

الف) سلب آزادی - در مورد افراد بزرگسال

۴۱۵. سلب آزادی یا حبس شدیدترین مجازاتی است که دادگاههای صالح برای رسیدگی به جرم مستوجب حداکثر چنین مجازاتی، ممکن است به مجرم تحمیل نمایند. به موجب قانون ۱۹۹۱ راجع به عدالت کیفری، سلب آزادی تنها زمانی تعیین می شود که جرم به اندازه کافی شدید باشد یا برای حمایت مردم در مقابل خطر شدیدی که مجرم جنسی یا خشن برای آنها دارد، ضروری بنماید. حداکثر مجازات پیش بینی شده برای هر جرم، درجه شدت وخامت آن جرم را نشان می دهد؛ بدین ترتیب است که قتل عمد اجباراً مستوجب حبس ابد می شود، تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه و قتل غیرعمد نیز مستوجب همین مجازات است، و همچنین سرقت از منازل برای مباشر آن ممکن است تا ۱۲ سال حبس به دنبال داشته باشد. دادگاه صلح نمی تواند برای یک جرم، حبسی بیش از ۶ ماه و برای بیش از یک جرم جمعاً بیش از ۱۲ ماه حبس تعیین کند؛ وقتی که مجرم برای چند جرم محکوم به مجازات حبس می شود، مجازاتها، در صورتی که کل آنها نامتناسب با درجه و خامت کل جرائم ارتكابی نیست، ممکن است با هم جمع شوند.

۴۱۶. کیفر حبس ابد باید به اشخاصی که ۲۱ سال یا بیشتر دارند

و در رابطه با قتل عمد محکوم می‌شوند، اعمال گردد. این مجازات ممکن است نسبت به مباشرین جرائم شدید، مانند قتل غیر عمد، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، ایراد صدمه منجر به جرح شدید، سرقت مسلحانه یا توأم با خشونت از منازل و پاره‌ای جرائم همراه با استفاده از اسلحه گرم نیز اعمال شود. دادگاه می‌تواند برای این جرائم، به جای حبس ابد، حبس موقت برای هر مدتی که مناسب تشخیص می‌دهد، یا مجازات غیر سالب آزادی تعیین و به محکوم علیه تحمیل کند.

۴۱۷- حکم حبس ابد از نظر مدت کاملاً نامعین است. هیچ حقی برای آزاد کردن محکوم به حبس ابد، در هیچ یک از مراحل اجرای مجازات وجود ندارد. برای مجرمینی که برابر قانون باید به عنوان مجازات، اجباراً به حبس ابد محکوم شوند تنها وزیر کشور پس از توصیه کمیسیون آزادی مشروط،^{۴۸} پس از مشورت با قاضی القضاة (Lord chief Justice)، و در صورت امکان، با قاضی رسیدگی کننده به پرونده، می‌تواند اجازه آزادی محکوم علیه ذی نفع را صادر کند. برای سایر محکومین به حبس ابد، یعنی مجرمینی که به تشخیص قاضی و به عنوان مجازات اشد محکوم به این نوع حبس گردیده‌اند، با اجرای قانون ۱۹۹۱ راجع به عدالت کیفری (ماده ۳۴ آن) از اکتبر ۱۹۹۲، نحوه صدور اجازه آزادی تغییر کرده است. در چنین مواردی، خود دادگاه می‌تواند مدتی را که پس از انقضای آن، زندانی می‌تواند از این آزادی بهره‌مند شود تعیین کند (مقررات انتقالی به وزیر کشور امکان اعمال این رژیم جدید را نسبت به زندانیانی که در حال تحمل مجازات می‌باشند - یعنی زندانیان موجود در حبس - می‌دهد). در این صورت زندانی می‌تواند از وزیر کشور تقاضا کند که مورد او را به اطلاع کمیسیون صالح به رسیدگی به اعطای آزادی مشروط برساند. این کمیسیون می‌تواند، چنانچه وزیر کشور خود اجازه آزادی را نداده باشد و محکوم مدت اجباری قانونی را تحمل کرده باشد، از وزیر کشور بخواهد که در صورتی که دیگر نگهداری محکوم، به لحاظ ملاحظات امنیتی، در زندان ضروری نیست، او را تحت شرایطی آزاد نماید. این کیفیات و شرایط

جدید برای کلیه زندانیان، صرف نظر از سن آنها و حتی اطفال بزهکار قابل اعمال است. زندانی ابد که تحت شرایطی آزاد شده است، ممکن است در هر لحظه، چنانچه رفتارش مطلوب نباشد، مجدداً و برای همیشه به زندان بازگردانده شود.

ب- سلب آزادی در مورد اطفال بزهکار

۴۱۸. اوضاع و احوال و شرایطی که به موجب آن اطفال ممکن است به حبس ابد محکوم شوند در سال ۱۹۸۲ (۲۸) و نیز در مقیاس بیشتری در سال ۱۹۸۸ (۲۹) محدود شده است. این موضوع به کاهش تعداد زندانیان جوان که از ۷۷۰۰ نفر در سال ۱۹۸۱ به ۱۸۰۰ نفر در سال ۱۹۹۱ رسیده، کمک کرده است. قانون ۱۹۹۱ (۳۰) راجع به عدالت کیفری به نوآوری‌هایی در این زمینه دست زده است. از این پس، پسران و دختران را دیگر نمی‌توان به نگهداری در موسسه ویژه اطفال، قبل از ۱۵ سالگی محکوم کرد (قبلاً حداقل سن برای پسران ۱۴ سال و برای دختران ۱۵ سال بوده است). همچنین قانون مدت حداقل حبس یک جوان بزهکار دختر یا پسر بین ۱۵ تا ۱۷ سال را در موسسه ویژه بزهکاران نوجوان دو ماه تعیین می‌کند (قبلاً این مدت حداقل، برای پسران کمتر از ۱۷ سال، ۲۱ روز و برای دختران، ۳ ماه تعیین شده بود). مدت حداکثر حبس برای جوانان ۱۵ تا ۱۷ سال، ۱۲ ماه است. برای جوانان بزهکار بین ۱۸ تا ۲۰ سال، حداقل حبس ۲۱ روز و حداکثر آن، همانی خواهد بود که به مجرم بزرگسال مرتکب همان جرم تحمیل می‌شود.

۴۱۹. رسالت مؤسسه ویژه جوانان بزهکار، آماده کردن آنها برای بازگشت به جامعه است. یک برنامه انعطاف پذیر از فعالیتها که در عین حال منسجم و هماهنگ باشد، به منظور کمک به گسترش حس مسؤلیت، انضباط، سلامت جسمانی و آموزش حرفه‌ای، به آنان تحمیل می‌شود. اطفالی که در سن تحصیلات هستند باید حداقل در هفته ۱۵ ساعت کلاس درس داشته باشند. آموزش حرفه‌ای و کار در رژیم معمول نسبت به زندانیان بزرگتر، رکن مهمی را تشکیل می‌دهد. روابط با خانواده و جامعه

تا آنجایی که ممکن است حفظ خواهد شد.

۴۲۰. صفار ۱۴ تا ۱۶ ساله که در دادگاه جزا محاکمه می‌شوند ممکن است در جرائمی که حداکثر مجازات آن برای یک مجرم بزرگسال ۱۴ سال حبس یا بیشتر است، به همین میزان مجازات و حتی به حبس ابد نیز محکوم شوند (۳۱). در مورد صفار ۱۰ تا ۱۳ ساله که در ارتباط با قتل غیر عمد محکوم شده‌اند نیز وضع به همین منوال است. شخصی که به اتهام قتل ارتكابی در سنین ۱۰-۱۷ سال تمام محاکمه می‌شود، باید با «اراده و میل علیاحضرت ملکه»^{۸۶} به حبس محکوم شود.

زندانیان ممکن است در زندان یا در کانون^{۸۷} (۳۲) که به وسیله مقامهای محلی اداره می‌شود، نگهداری گردند. هر شخص که در رابطه با قتل عمد محکوم شده و به هنگام ارتكاب آن ۱۸ سال و به هنگام محکومیت کمتر از ۲۱ سال داشته باشد، باید به «حبس ابد» محکوم شود. وضعیت مجرمی که بیش از ۱۷ سال و کمتر از ۲۱ سال دارد و در رابطه با جرمی محکوم شده که چنانچه مباشر آن بزرگسال می‌بود مستحق حبس ابد بود، نیز به همین منوال است.

ج) محکومیت توأم با تعلیق در مورد بزرگسالان بیش از ۲۱ سال

۴۲۱. وقتی دادگاه تصمیم می‌گیرد که جرم، برابر سوابق کیفری مجرم بزرگسال، به اندازه کافی شدید و بنابراین مستحق حداکثر دو سال حبس می‌باشد، مجازات ممکن است به مدت حداقل ۱ سال و حداکثر ۲ سال تعلیق شود. چنانچه مجرم در دوران تعلیق مرتکب جرمی شود که مجازات آن حبس است، باید مجازات تعلیق شده را نیز متحمل شود.

د) مجازاتهایی که باید در جامعه به اجرا درآید (مجازاتهای اجتماعی)

۴۲۲. قانون ۱۹۹۱ راجع به عدالت کیفری تعداد مجازاتهایی را که در جامعه به اجرا در می‌آید و از طرف دیگر مجازاتهای خاصی را تشکیل

86. During Her Majesty's Pleasure، یعنی به نام الیزابت دوم، ملکه انگلستان.

87. Community Home

می دهند و بنابراین جایگزینهایی برای کیفر حبس محسوب می گردند را بیشتر و تقویت نمود. چنین مجازاتهایی زمانی به مجرم تحمیل می شود که جرم یا جرایم ارتكابی به اندازه کافی شدید باشند و برای حال مجرم مناسبترین به نظر آید.

انتخابهای اصلی در این زمینه به شرح زیر است:

۱) انجام کارها و خدمات عمومی و^{۸۸} عام المنفعه

دادگاه می تواند از مجرم بیش از شانزده سال که محکومیتش در رابطه با جرمی است که در صورت ارتكاب توسط بزرگسال، مجازات آن حبس می بود، بخواهد که به طور رایگان به نفع جامعه کار کند. رضایت مجرم ضروری است و چنین قرارهایی شامل حداقل ۴۰ و حداکثر ۲۴۰ ساعت کار در مدت ۱۲ ماه می شود. کار مشخص شده زیر نظر مأمور ویژه بخش تعلیق مراقبتی انجام می شود. چنانچه قرار لغو گردد مجرم ممکن است برای جرم اولی نیز محکوم شود. کارهای عمومی عام المنفعه متعددی بدین منظور وجود دارد، به عنوان مثال: طرحهای نگهداری فضاهای شهری (مثلاً فضای سبز)، ساخت شهرهای بازی و کارهای رنگ آمیزی و تزئینات خانه ها و آپارتمانها برای اشخاص سالمند یا ناتوان.

۲) قرارهای تعلیق مراقبتی و نظارت^{۸۹}

مجرم ۱۶ ساله یا بیشتر ممکن است موضوع قرار تعلیق مراقبتی برای مدتی از ۶ ماه تا ۳ سال واقع شود. هر مجرم باید به وسیله یک مأمور تعلیق مراقبتی نظارت شود، لیکن دادگاه می تواند هر شرط دیگری که مناسب بداند، از جمله در خصوص محل اقامت، نوع فعالیتها، حضور منظم در یک مرکز تعلیق مراقبتی، و مداوای روانی یا ترک اعتیاد را در قرار خود اضافه نماید. مراکز روزانه تخصصی که محکومین مشمول تعلیق مراقبتی باید تا ۶۰ روز به آنجا مراجعه کنند نیز در تعدادی از محلها (شهرها) موجود است. حدود ۸۰ درصد از قرارهای تعلیق مراقبتی به طور رضایت بخشی اجرا می شود.

88. Community Service Orders.

89. Probation and Supervision Orders.

صغار حداکثر ۱۷ ساله ممکن است به مدت حداکثر ۳ سال موضوع قرار نظارت که معادل تعلیق مراقبتی است واقع شوند. نظارت کننده، یا یک مأمور پروبایسیون است یا یک مقام محلی، یعنی مددکار اجتماعی. یک سلسله شرایط مربوط به مسکن و نوع فعالیتها ممکن است در قرار ذکر شوند.

۳) قرار ترکیبی^{۹۰}

قرار جدیدی در اکتبر ۱۹۹۲ وارد حقوق انگلستان و ولز شده است که کلیه ارکان کارهای عمومی عام المنفعه و قرار نظارت یا تعلیق مراقبتی را با هم جمع و ترکیب نموده است. این قرار ممکن است علیه مجرمی که ۱۶ سال یا بیشتر دارد اعمال گردد. حداکثر مدت آزمایش ۳ سال و حداقل مدت آن ۱۲ ماه تعیین شده است. وقتی یک قرار ترکیبی صادر شده، نظارت بر تعلیق مراقبتی حداقل تا زمانی که کار عام المنفعه انجام نشده است ادامه می یابد. حداقل ساعت کار عام المنفعه بین ۴۰ تا ۱۰۰ ساعت در نوسان است.

۴) سایر اقدامات

عدالت کیفری در مقیاس کمتری، از تدابیر و اقدامهای دیگری نیز استفاده می نماید که از جمله آن می توان به تدابیر زیر اشاره کرد:

آزادی مشروط (مشروط بر اینکه محکوم علیه نظم عمومی را مختل نکند، یا از خود حسن رفتار نشان دهد)، قرارهای مراقبت، و قرارهای بر حضور اجباری در مراکز اجتماعی که مجرمین کمتر از ۲۱ سال ممکن است در آنجا مکلف به شرکت در برنامه ها و فعالیتهای سازمان یافته در بعد از ظهرهای شبیه به مدت چند هفته معین بشوند. قانون ۱۹۹۱ راجع به عدالت کیفری، قرار مراقبت الکترونیکی - "محکوم علیه با استفاده از ابزارهای برقی، از راه دور قابل کنترل است - را نیز وارد این تدابیر نموده است. این نوآوری که از تجربه های به دست آمده در قلمرو بازداشت

90. Combination Order

91. Curfew Order

موقت اقتباس شده (۳۳) هنوز به مرحله اجرا در نیامده است.

(د) جریمه

۴۲۳. نظام جدید جریمه برای کلیه جریمه‌های تحمیلی به اشخاص به وسیله دادگاههای صلح، حتی پرداخت جریمه‌های تحمیلی به والدین در رابطه با اطفال ۱۸ سال خود، در اکتبر ۱۹۹۲ وارد سیاهه تدابیر و اقدامات موجود در حقوق انگلیس و ولز شد. اندیشه اصلی نظام مزبور این است که به دادگاه این امکان را بدهد تا محکوم علیه را از معادل (واحد) درآمد خالص هفتگی اش - پس از کسر مخارج اساسی وی - " بر حسب شدت جرم ارتكابی، به مدت چند هفته محروم نماید. این نظام نسبت به احکام جریمه‌ای که دادگاههای جزا صادر می‌کنند، به اجرا گذاشته نمی‌شود.

۴۲۴. تعداد حداکثر واحدها به شرح زیر تعیین می‌شود:

- ۲ واحد برای جرم از درجه اول (یا از طبقه اول)
- ۵ واحد برای جرم از درجه دوم (یا از طبقه دوم)
- ۱۰ واحد برای جرم از درجه سوم (یا از طبقه سوم)
- ۲۵ واحد برای جرم از درجه چهارم (یا از طبقه چهارم)
- ۵۰ واحد برای جرم از درجه پنجم (یا از طبقه پنجم) یا جرم

حداکثر پیش بینی شده به وسیله قانون.

در مورد بزهکاران حقیقی، ارزش هر واحد تابعی است از اطلاعات ارائه شده به وسیله هر بزهکار پیرامون درآمد هفتگی اش و مبلغی که بابت جریمه بدون مشکل می‌تواند پردازد. ضروری نیست که دادگاه ارزیابی جامعی از وضعیت مالی ذی نفع بنماید. ارزش حداقل کنونی هر واحد ۴ پوند و ارزش حداکثر آن ۱۰۰ پوند است. بدین ترتیب مبلغ جریمه‌ها بر حسب شدت جرم در نوسان است: برای مثال سرقت، جرمی از درجه پنجم محسوب می‌شود، رانندگی همراه با بی احتیاطی یک وسیله نقلیه، جرمی از درجه چهارم است و تقلب مبنی بر عدم پرداخت مالیات تلویزیون، جرمی از درجه سوم را تشکیل می‌دهد.

۴۲۵- اجرای جریمه ها به وسیله دادگاههای صلح صورت می گیرد. چگونگی وصول جریمه ها برحسب جایگاه شغلی بدهکار متفاوت است: برای کارمندان و مستمری بگیران این جریمه در مبدا وصول می شود، حال آنکه در مورد سایرین، اموال آنان توقیف می شود. ضمانت اجرای نهایی ممکن است زندان باشد که مدت آن بستگی دارد به باقیمانده مبلغ پرداخت نشده جریمه. در ۱۹۹۰ حدود ۱۶۵۰۰ نفر به لحاظ عدم پرداخت جریمه زندانی شدند که به طور متوسط به مدت ۷ روز در حبس باقی مانده اند. غالب افرادی که تحت این عنوان به زندان اعزام شده اند از بیکاران بوده اند. قانون ۱۹۹۱ (۳۴) راجع به عدالت کیفری، اصل توقیف درآمد در مبداء، به منظور وصول جریمه را به پرداختهای ماهیانه یا هفتگی سازمان بیمه های اجتماعی به بیکاران نیز تسری داده است.

۵- انصراف از محکوم کردن (تبرئه)

۴۲۶- وقتی دادگاه مناسب تشخیص دهد، می تواند به طور مشروط یا بدون هیچ گونه قید و شرطی از محکوم کردن متهم صرف نظر کند. در صورت انصراف بی قید و شرط از محکوم کردن، هیچ گونه تدبیر دیگری، صرف نظر از اوضاع و احوال ارتکاب جرم، قابل اتخاذ نیست. در صورت انصراف مشروط از محکوم کردن، چنانچه مجرم برای جرم جدید ارتكابی در دوران آزادی مشروط به مجازات جدیدی محکوم شود، دادگاه وی را برای جرم اولی نیز محکوم خواهد کرد.

۶) جبران و ترمیم خسارت

۴۲۷- در صورت محکومیت، علاوه بر اعمال اقدامهایی که نسبت به محکوم اتخاذ شده است، دادگاه می تواند وی را مکلف به جبران خسارت جسمانی یا سایر خسارات وارده بر بزه دیده که از ارتکاب جرم ناشی شده است، بنماید.

ز) کیفر مرگ

۴۲۸. کیفر مرگ برای قتل عمد در ۱۹۶۵ (۳۵) لغو شده است، لیکن برای خیانت و چند جنایت دیگر حفظ شده است. از آن تاریخ تاکنون، هیچ حکم اعدامی صادر نشده است.

ع) استیناف (تجدید نظر خواهی)^{۹۳}

۴۲۹. در قلمرو جرائم جنایی، دادگاه جزا اصولاً به تجدید نظر خواهی اشخاصی که مجرم اعلام شده اند و یا به وسیله دادگاه صلح محکوم شده اند رسیدگی می نماید، چه این تجدید نظر خواهی از نوع محکومیت آنها، چه از نوع و میزان مجازات آنها و چه از هردوی اینها باشد. تجدید نظر خواهیها ممکن است فقط محدود به محکومیت یا به بخشی از مجازات باشد (برای مثال قرار جبران خسارت یا ضبط پروانه رانندگی)، لیکن دادگاه جزا در صورتی که مناسب تشخیص بدهد می تواند هر بخش از کیفر را که بخواهد تغییر دهد.

۴۳۰. شعبه کیفری دادگاه استیناف که در محل دادگاههای عدالت سلطنتی^{۹۴} در لندن واقع شده است، تقاضاهای مربوط به پرونده های کیفری رسیدگی شده در دادگاه جزا را مورد بررسی قرار می دهد. این دادگاه مرکب است از: قاضی القضاة (Lord Chief Justice) و قضات استیناف (Lords Justice) و نیز در صورت نیاز، قضات دادگاه عالی که از اعضای (High Court) هستند. تقاضای پژوهش ممکن است متعاقباً به دیوان کشور (House of Lords) تقدیم شود. دادستان (Attorney General) اختیار دارد رسیدگی مجدد به مجازاتهایی که با توجه به قانون، سبک و خفیف به نظر می رسد را به دادگاه استیناف احاله نماید (۳۶)

93. Appeals

94. Royal Courts of Justice

آزادی زود رس^{۹۵} (آزادی زودتر از موعد)

۴۳۱. به دنبال توصیه‌های کمیته لرد کارلایل (Lord Carlisle). نام رئیس کمیته - (۳۷)، شرایط و کیفیات جدیدی از اول اکتبر ۱۹۹۲ برای اعطای آزادی زودرس زندانیان پیش بینی گردید. این اصلاحات تخفیف مجازات را لغو کرد و تغییرات مهمی را نسبت به شرایط قدیمی اعطای آزادی مشروط و مراقبتی به وجود آورد.

۴۳۳. در چهارچوب نظام جدید، آزادی زودرس پاره‌ای از زندانیان، حتی جوانان مجرم - که به موجب بند دو ماده ۵۳ قانون ۱۹۳۳ راجع به اطفال و نوجوانان نگهداری می‌شوند - به مدت مجازاتی که باید نسبت به آنها اعمال شود بستگی دارد:

الف - احکام مجازات کمتر از ۲ سال

در چهارچوب آزادی مشروط خود به خود، زندانی باید نیمی از مجازات خود را متحمل شده باشد. مع ذلک، ممکن است اعطای آزادی مشروط به لحاظ تحمیل یک ضمانت اجرای انضباطی به دنبال تخلف محکوم علیه در زندان، به تعویق افتد. ارتکاب هر جرمی در مدت آزادی زود رس، که مستوجب مجازات حبس باشد، ممکن است موجب عودت دادن مجرم به زندان برای تحمل کل یا باقیمانده کیفر اولیه وی گردد. مجرمین بزرگسالی که نخست به ۱۲ ماه یا بیشتر حبس محکوم شده‌اند، و کلیه مجرمین جوان، پس از اعطای آزادی مشروط تا $\frac{۳}{۴}$ مدت مجازاتشان

تحت نظارت اجباری قرار خواهند گرفت، با این قید که برای مجرمین جوان حداقل ۳ ماه نظارت ضروری است. برای بعضی از مجرمین جنسی - به تشخیص قاضی در زمان صدور حکم - این نظارت تا پایان مدت مجازات ادامه خواهد یافت. رسیدگی به موارد عدم رعایت شرایط و تکالیف دوران آزادی در صلاحیت دادگاههای صلح است. این دادگاهها می‌توانند چنین محکوم علیه‌ای را مجبور به پرداخت جریمه نمایند یا دستور عودت وی به

زندان را برای مدتی که نباید از شش ماه تجاوز کند، بدهند.

ب- احکام مجازات چهار سال یا بیشتر

کمیسیون آزادی مشروط در مورد اعطای این نوع آزادی، بر اساس تقاضای زندانیانی که نیمی از مجازات خود را تحمل کرده اند، صلاحیت دارد. مع ذلک، آزادی کلیه زندانیانی که تا $\frac{2}{3}$ کیفر خود را متحمل شده اند خود به خود انجام می گیرد. کلیه زندانیان، اعم از اینکه به صورت مشروط یا غیر مشروط آزاد شده باشند، تحت نظارت و شرایط مجوز آزادی تا $\frac{3}{4}$ از مدت مجازات خود قرار می گیرند، بجز بعضی از مجرمین جنسی که باید برای تمام مدت مجازات خود تحت نظر قرار گیرند. عودت زندانیان آزاد شده، به لحاظ عدم رعایت شرایط مندرج در آزادی مشروط، صادره توسط کمیسیون آزادی مشروط، صورت می پذیرد. از نظر رسمی، مقام صالح برای اعطای آزادی مشروط وزیر کشور است، لیکن در عمل وزیر کشور اختیارات خود را برای کلیه محکومینی که مجازات آنها کمتر از هفت سال حبس است به کمیسیون آزادی مشروط تفویض کرده است.

۵- موقعیت بزه دیده

- ۵.۱. بزه دیدگان اعمال مجرمانه، صرف نظر از ملیتشان، مشمول رژیم جبران خسارت می شوند که شامل ترمیم خسارات ناشی از ناملایمات متحمله، از دست رفتن درآمد و عدم النفع ناظر به آینده است.
- ۵.۲. طرحهای محلی کمک به بزه دیدگان که وزارت کشور بودجه آن را در قالب کمک مالی به یک نهاد ملی افتخاری تامین می کند، ۹۷٪ جمعیت انگلستان و ولز را در برمی گیرد و به بزه دیدگان به صورت فردی کمک و مشاوره می دهند. منشور بزه دیده^۵ (۳۸) که در سال ۱۹۹۰ منتشر شده است، حقوق بزه دیدگان را معین می کند و توضیح می دهد که بخشهای مختلف عدالت کیفری چگونه باید با آنها رفتار کنند.

۵.۳. وقتی تشکیلات دادستانی سلطنتی (دادسرا) از به جریان انداختن تعقیب صرف نظر می کند، بزه دیده می تواند دعوایی به عنوان مدعی خصوصی در دادگستری طرح بنماید، لیکن این موضوع به ندرت اتفاق می افتد. دادگاهها در احکام محکومیت صادره می توانند صرفاً به جبران خسارت حکم دهند یا جبران خسارت را همراه با اقدامات دیگر در حکم قید نمایند. چنین احکامی در سال ۱۹۹۱ به وسیله دادگاههای صلح برای حدود ۱۵٪ از پرونده های مطروحه و به وسیله دادگاه جزا برای ۱٪ از موارد مطروحه صادر شده است.

۶- کمیسیون سلطنتی عدالت کیفری

۶.۱. کمیسیون سلطنتی در مارس ۱۹۹۱ به منظور بررسی همه جانبه نظام عدالت کیفری در انگلیس و ولز ایجاد شده است. رئیس این کمیسیون Vicount Runciman of DOXFORD است که گزارش خود را باید به زودی منتشر نماید.

۶.۲. مأموریت کمیسیون عبارت است از، ارزیابی و بررسی نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز و سنجش و حصول اطمینان از توانایی آن در خصوص محکوم کردن افراد مقصر و مجرم و تبرئه کردن افراد بی گناه، با توجه به امکانات و منابع موجود آن، کمیسیون مزبور می تواند، در صورت نیاز، در قلمروهای زیر نیز اصلاحاتی را پیشنهاد نماید:

۱. هدایت جریان تحقیقات پلیسی و نظارت مأمورین ارشد پلیس بر آنها، و بویژه کیفیت نظارت این مأمورین بر تحقیقات مزبور و نحوه جمع آوری و آماده کردن، دلایل.

۲. نقش دادسرا در نظارت بر جمع آوری دلایل و تصمیم گیری در مورد چگونگی تبادل اطلاعات مکتسبه به وکیل متهم- حتی اطلاعاتی که مورد استفاده قرار نمی گیرد.

۳. نقش کارشناسان در دعاوی کیفری، مسؤلیت آنها در قبال دادگاهها، دادستان و وکیل، و روابط میان بخشهای مختلف پزشکی قانونی و پلیس.

۴. ترتیبات حقوق دفاع از اشخاص متهم، و دسترسی به مشاور حقوقی و نظریه کارشناس.
۵. فرصت‌های موجود برای متهم جهت بیان موضع خود راجع به موارد اتهام، و حدودی که دادگاهها ممکن است برداشته‌های صحیح خود را از وقایع اولیه بنمایند. رفتار متهم و قصور وی در استفاده از فرصت برای اظهار موضع خود.
۶. اختیارات دادگاهها در اداره و هدایت تشریفات دادرسی، امکان دادگاهها در انجام تحقیقات قبل و در طی جریان محاکمه و بررسیهای لازم قبل از محاکمه، وظیفه دادگاهها در بررسی دلایل از جمله دلیل اقرار تایید نشده.
۷. نقش دادگاه استیناف در بررسی دلایل جدید در مرحله پژوهشی، شامل تحقیقات در خصوص ادعاهای جدید.
۸. ترتیبات برای ملاحظه و تحقیقات درباره ادعاهای مبنی بر وجود اشتباهات قضایی^۳ زمانی که حق و طرق تجدیدنظر عادی اعمال و طی شده است.

۷- گرایشهای کنونی آمار

جدول ۱- عملکرد نظام عدالت کیفری در انگلستان و ولز (۱۹۸۱-۱۹۹۱)

۱۹۹۱	۱۹۸۶	۱۹۸۱	
۵۲۷۷	۳۸۴۹	۲۹۶۴	جرایم ثبت شده به وسیله پلیس - (به هزار)
۲۹	۳۲	۳۸	جرایم روشن شده (به درصد)
			اشخاصی که مجرم تشخیص داده شده‌اند یا رسماً به آنها ابلاغ شده است* (به هزار)
۱۰۵	۱۴۲	۱۷۴	- بین ۱۰ و ۱۶ سال
۱۳۰	۱۲۶	۱۳۹	- بین ۱۷ و ۲۰ سال
۲۸۱	۲۵۲	۲۶۰	- از ۲۱ سال به بالا

97. Miscarriages of Justice

* Indictable Offences Only: فقط شامل جرائم قابل کیفرخواست است

۳۵	۳۹	۴۵	محکومیت به جریمه (به درصد)
			محکومیت به حبس (به درصد)
۷/۶	۱۰/۶	۱۱/۱	- بین ۱۴ و ۱۶ سال
۱۳/۲	۱۹/۰	۱۷/۲	- بین ۱۷ و ۲۰ سال
۱۶/۵	۱۹/۲	۱۵/۹	- از ۲۱ سال به بالا
۴۵/۹	۲۶/۸	۲۳/۲	جمعیت کیفری (زندانه) (به هزار)
۱۰/۲	۱۰/۱	۷/۰	- متهمین (زندانی)
۳۵/۴	۳۶/۶	۳۶/۰	- محکومیت (زندانی)
%۳۸	%۲۴	%۳۰	- غیر کیفری
۲۰/۵	۱۸/۳	۱۶/۷	مدت متوسط مجازات**

الف- جرائم ثبت شده به وسیله پلیس

۷.۱. استفاده از آمارهای جرائم ثبت شده، روش اصلی برای اندازه گیری تعداد جرائمی که پلیس باید به آنها پردازد محسوب می شود. مع ذلک، ممکن است اتفاق بیفتد که پلیس در جریان پاره ای از جرائم قرار نگیرد یا آنها را ثبت ننماید. برآوردهای به عمل آمده از مطالعات و تحقیقات پیرامون جرم در بریتانیای کبیر^{۳۳} برای سال ۱۹۹۱، (۳۹) و سالهای قبل (۴۰) که مبتنی است بر مصاحبه هایی با صاحبان منازل، حاکی از آن است که افزایش میزان جرائم واقعی (بزهکاری واقعی) کمتر است از میزان جرائم ثبت شده به وسیله پلیس، با این قید که فقط $\frac{1}{3}$ از تمامی جرائم به وسیله پلیس ثبت می گردد.

۷.۲. در سال ۱۹۹۱، پلیس ۵/۳ میلیون جرم ثبت نموده است که ۹۴٪ آن علیه اموال، ۵٪ آن توام با خشونت و ۱٪ بقیه شامل سایر جرائم می باشد. تعداد کل جرائم ثبت شده در سال ۱۹۹۱ بیشتر از سال ۱۹۹۰ بوده است و افزایشی معادل ۱۷٪ را در ۱۹۹۰ نشان می دهد و در عوض، افزایش سالیانه متوسط میان ۱۹۸۰ و ۱۹۸۷ فقط ۵٪ بوده است. جرائمی

بزرگسالان مذکر در دادگاه جزا را شامل می شود: ** Adult Males at the Crown Court

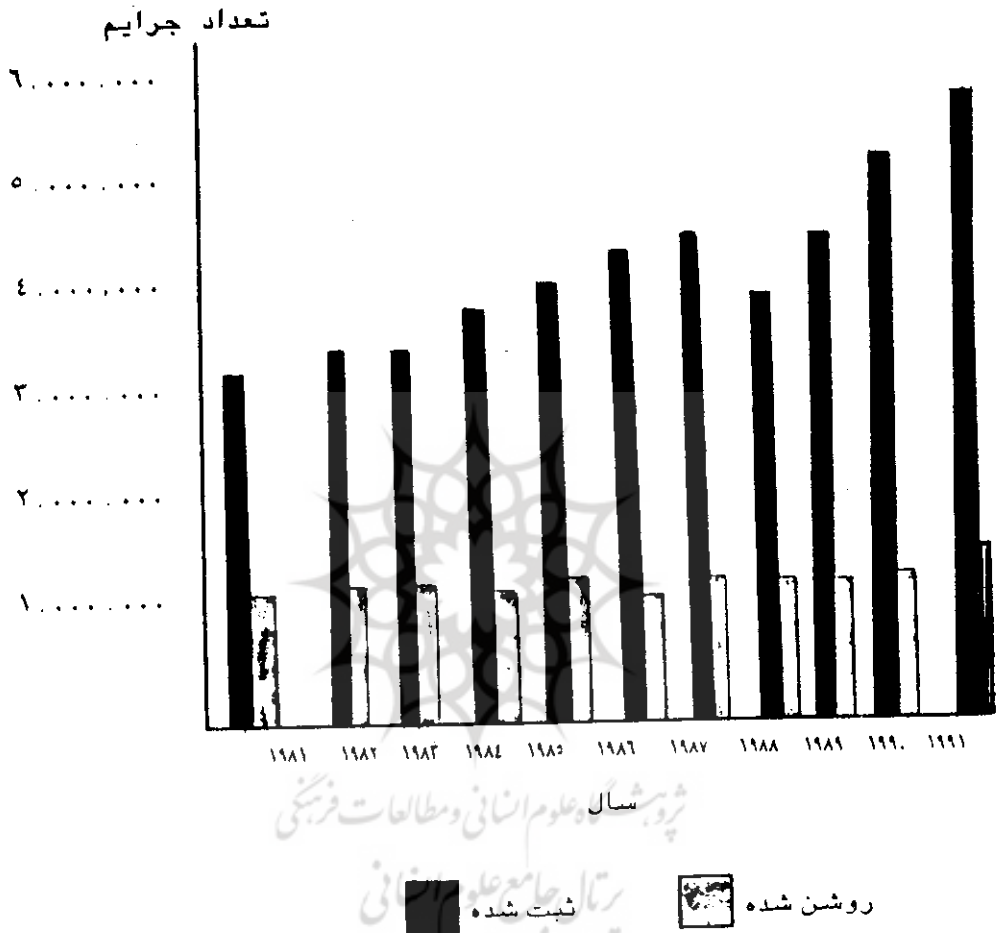
که موضوع آن وسایل نقلیه است، اندکی کمتر از $\frac{1}{3}$ کل افزایش میان ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ را نشان می‌دهد.

۷.۳- سرقت اندکی بیش از نصف جرائم ثبت شده را تشکیل می‌دهد، که اکثر آنها سرقت‌های خودرو و یا سرقت‌های از داخل خودرو است که بیش از $\frac{1}{4}$ جرائم می‌باشد، سرقت از منازل که عمدتاً سرقت اموال کم ارزش است، $\frac{1}{6}$ دیگر از کل جرائم را تشکیل می‌دهند.

۷.۴- در سال ۱۹۹۱ تعداد ۲۶۵/۰۰۰ جرم توأم با خشونت ثبت شده است که ۷۲٪ آن ایراد صدمه، ۱۷٪ سرقت‌های مسلحانه و ۱۱٪ جرائم جنسی بوده است. ایراد صدمه در سال ۱۹۹۱ افزایشی معادل ۱۳٪ را نشان می‌دهد. این رقم مشابه افزایش سال ۱۹۹۰ می‌باشد، افزایش متوسط ۱۲٪ در سال‌های بین ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹ بوده است. مع ذلك، بیش از ۹۰٪ این جرائم، جرم‌های کم اهمیت بوده است. جرائم جنسی در سال ۱۹۹۱ فقط ۱٪ افزایش نشان می‌دهد، اگر چه تجاوز به عنف افزایشی معادل ۱۹٪ را به خود دیده است. مع ذلك این اندیشه وجود دارد که افزایش تجاوز به عنف تا حدودی ناشی از نسبت بالاتر شکایات مربوط به ارتکاب «تجاوز به عنف» است که به عنوان «جرائم» ثبت می‌شود.

۷.۵- در ۱۹۹۱، تکلیف ۲۹٪ از کلیه جرائم به وسیله پلیس روشن شده است، حال آنکه این درصد در ۱۹۹۰ شامل ۳۲٪ و در ۱۹۸۹ شامل ۳۴٪ می‌شده است. در میان جرایم روشن شده، ۵۰٪ منجر به اتهام یا احضار متهم به علت ارتکاب یک جرم بوده است؛ ۱۱٪ منجر به اخطار رسمی شده است، ۱۵٪ مربوط به جرایمی بوده است که مورد توجه و رسیدگی قرار گرفته است، ۱۶٪ به دنبال مصاحبه‌هایی با محکومین زندانی بوده است و ۸٪ یک اخطار غیر رسمی بوده یا آنکه هیچ اقدام دیگری صورت نپذیرفته است.

نمودار شماره ۱- جرائم شناخته و ثبت شده به وسیله پلیس در انگلستان و ولز



* گفتنی است که از نظر جرم شناسی هنگامی که جرائم ارتكابی و مباشران آنها کشف و دستگیر نشده اند از «رقم «سیاه» یا بخش تاریک بزهکاری سخن می گویند و هنگامی که جرائم ارتكابی کشف شده لیکن مباشران آنها مورد شناسایی پلیس قرار نگرفته و دستگیر نشده اند «رقم خاکستری» یا بخش نیمه تاریک بزهکاری نامیده می شوند.

ب- بزهکاران

۷.۶. در سال ۱۹۹۱، حادثه‌ترین دوره سنی بزهکاری برای بزهکاران مذکور بین ۱۵-۱۸ سال و برای بزهکاران مؤنث، در سن ۱۵ سالگی بوده است. این آمار مبتنی است بر تعداد مجرمین محکوم شده به وسیله دادگاه و یا مجرمینی که پلیس رسماً، به خاطر ارتکاب جرائم قابل کیفرخواست، به آنها اخطار کرده است. در سال ۱۹۹۱، تقریباً ۴۶٪ از کل بزهکاران شناخته شده کمتر از ۲۱ سال داشته‌اند. در این سال ۷۹٪ از نوجوانان بزهکار (سنین بین ۱۰-۱۶ سال) رسماً اخطار دریافت نموده‌اند، ۲۸٪ از آنها بین ۱۷-۲۰ و ۲۲٪ از آنها بیشتر از ۲۱ سال داشته‌اند. اصلاحات و ابتکارهای اخیر، شامل ایجاد کمیته‌های رابط نوجوانان در مناطق مختلف، موجب افزایش صدور اخطار رسمی به آنها شده است. این موضوع منجر به استفاده از سایر روشهای غیر رسمی تر رتق و فتق امور نوجوانان بزهکار خارج از نظام مرکزی عدالت کیفری شد. می‌توان امیدوار بود که ابتکارهای اخیر دولت اجازه خواهند داد تا صدور اخطار رسمی به بزهکاران مسن‌تر نیز تسری داده شود.

ج- مجازاتها

۷.۷. جرمه: جرمه رایج‌ترین مجازات محسوب می‌شود: ۸۴٪ از بزهکاران محکوم شده به خاطر تخلفات قابل محاکمه به صورت اختصاری به غیر از جرائم راهنمایی رانندگی و ۹۳٪ از اشخاص محکوم در رابطه با جرائم راهنمایی رانندگی به پرداخت جرمه محکوم شده‌اند. برای جرائم قابل کیفرخواست (شامل جرائم قابل محاکمه به هر دو صورت اختصاری و یا قابل کیفرخواست) جرمه رایج‌ترین مجازات می‌باشد، لیکن تنها ۳۵٪ از محکومیتها را شامل می‌شود. از آغاز سالهای ۱۹۷۰، جرمه برای جرائم قابل تعقیب براساس کیفرخواست به نحو چشم‌گیری تقلیل یافته است.

۷.۸. سلب آزادی: در طول سالهای اخیر، تعداد محکومیتهای زندان و نیز استفاده از مجازات حبس دادگاههای صلح و جزا به نحو قابل توجهی

کاهش یافته است. در دادگاههای صلح استفاده از کیفر زندان برای جرائم قابل کیفرخواست از ۸/۱٪ در ۱۹۸۶ به ۵/۳٪ در ۱۹۹۱ و در دادگاه جزا از ۵۲/۱٪ به ۴۴/۳٪ در همین سال تقلیل یافته است.

نسبت کسی از این کاهش (۱ تا ۲ درصد) نشانگر طبقه بندی مجدد بعضی از جرائم در اکتبر ۱۹۸۹ بوده است (برای مثال: نقض ممنوعیت رانندگی وسیله نقلیه موتوری) که بعضی از جرائم قابل کیفرخواست را به جرائم اختصاری تبدیل نموده است. چنین کاهشهایی در مورد جوانان بین ۱۴ تا ۱۷ سال قابل توجه ترین بوده است: تعداد محکومیت‌های حبس از ۴۵۰۰/ در ۱۹۸۶ به ۱۹۰۰/ مورد در ۱۹۹۱ و برای جوانان ۱۷ تا زیر ۲۱ سال از ۲۲۴۰۰ به ۱۵۱۰۰ مورد تقلیل یافته است.

۷.۹. سالهای اخیر شاهد افزایش تدریجی مدت کیفرهای حبس تحمیلی به مجرمین خشن و بویژه افزایش سریع مدت مزبور نسبت به مرتکبین تجاوز به عنف از ۴ سال در ۱۹۸۴ به ۶ سال در ۱۹۸۸ بوده است. افزایشهای دیگری نیز که ناشی از توسل به مجازاتهای غیر سالب آزادی برای جرائم نسبتاً کم اهمیت است نیز به چشم می‌خورد. برای بزرگسالان، مدت متوسط مجازات اعلام شده در احکام دادگاههای صلح، حدوداً ۲/۶ ماه و در احکام دادگاههای جزا ۲۰/۵ ماه است. مدت متوسط مجازاتهای اعلام شده در احکام دادگاههای جزا برای سرقت از منازل ۱۶ ماه، برای سرقت مسلحانه ۴۸/۳ ماه، برای ضرب و جرح ۱۹/۵ و برای جرائم مرتبط با مواد مخدر ۳۲/۶ ماه بوده است.

۷.۱۰. اقدامهای غیر سالب آزادی: حدود ۱۰٪ از مرتکبین جرائم قابل کیفرخواست، موضوع قرار تعلیق مراقبتی و ۹٪ موضوع قرار انجام کارهای خدمات و عمومی و عام‌المنفعه واقع شده‌اند و بالاخره ۱۹٪ از آنها تبرئه شده‌اند.

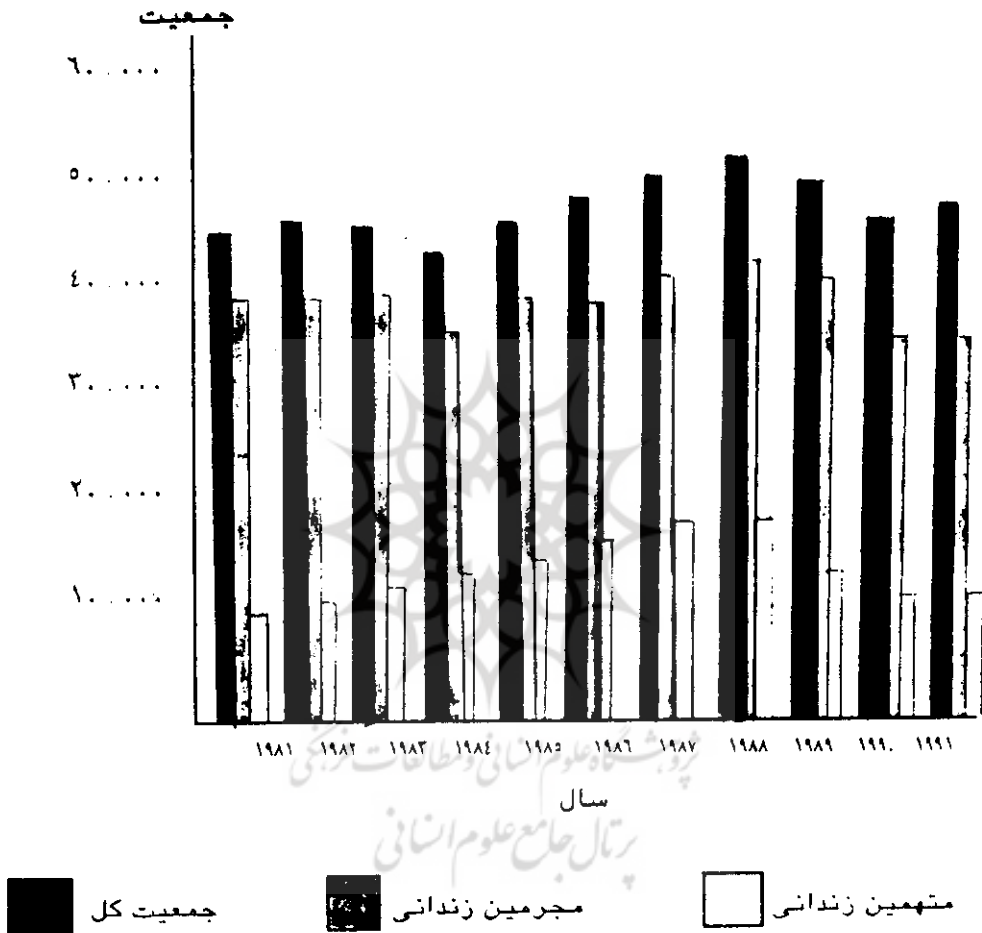
نتیجه کاهش اخیر در تعداد احکام محکومیت حبس این بود که دادگاههای جزا به جای کیفر زندان، به طور چشم‌گیری، از کارهای عمومی و عام‌المنفعه و یا تعلیق مراقبتی در احکامشان استفاده کرده‌اند، در

حالی که دادگاههای صلح بیشتر احکام تبرئه و آزادی متهمین را صادر نموده اند، که بدین ترتیب شاهد یک حرکت عمومی مبنی بر کاهش مجازات تعیین شده هستیم.

د- جمعیت کیفری (جمعیت زندانها)

۷-۱۱. جمعیت زندانها با افزایش روبه رو بوده است و به طور متوسط از ۴۳۰۰۰-۴۴۰۰۰ در سالهای ۱۹۸۱-۱۹۸۴ به رقم ۴۹,۰۰۰ در ۱۹۸۸ افزایش یافته است. این جمعیت در ۱۹۹۰ به ۴۵,۶۰۰ کاهش یافته و در ۱۹۹۱ با افزایش اندکی به ۴۵,۹۰۰ زندانی رسیده است. ترکیب جمعیت متوسط کیفری در ۱۹۹۱ به این شرح است: ۳۵۴۰۰ نفر محکوم، ۱۰۲۰۰ زندانیان محاکمه نشده یا در حال محاکمه (متهم)، ۳۰۰ زندانی غیر کیفری. حدود ۵۷۰۰ زندانی از جنس مذکر کمتر از ۲۱ سال و حدود ۱۶٪ آنها از اقلیتهای نژادی. در مقایسه، کمتر از ۵٪ کل جمعیت کیفری از اقلیتهای نژادی هستند. در سال ۱۹۹۰ حدود ۱۷٪ از متهمین زندانی، ۱۴٪ از محکومین جوان مذکر و ۱۶٪ از محکومین بزرگسال مذکر جزو گروههای نژادی اقلیت بوده اند. جمعیت کیفری در ۱۹۹۱، دو هزار نفر بیشتر از تعداد پیش بینی شده به عنوان تعداد عادی زندانی" با توجه به ظرفیت زندانها در ۳۰ ژوئن ۱۹۹۱- بوده است. به همین جهت برنامه فشرده ای برای ساخت مؤسسات زندان در دست اجرا است تا محلهای بیشتری در اختیار سازمان زندانها گذاشته و از تراکم جمعیت کیفری کاسته شود.

فردار شماره ۲- جمعیت متوسط کیفری (جمعیت متوسط زندانها در انگلیس و ولز)



۸- کتاب شناسی (آمارها و تحقیقات)

۸۱- مآخذ زیر نشریات سالیانه در خصوص آمار است:

Digest of information on the criminal justice system, Home Office
 Criminal statistics, England and Wales, HMSO
 Judicial statistics, HMSO
 Prison statistics, England and Wales, HMSO
 Probation statistics, England and Wales, Home Office
 Report of Her Majesty's Chief Inspector of Constabulary, HMSO
 Report of Her Majesty's Chief Inspector of Prisons for England
 and Wales, HMSO
 Report on the work of the Prison Service, HMSO
 In addition, the Home Office publishes Statistical Bulletins
 covering regular and ad-hoc analysis on specific topics. Such
 bulletins are obtainable free of charge from Research and
 Statistics Department, Lunar House, 40 Wellesley Road,
 Croydon CR09YD.

تحقیقات

۸۲- گزارشهای مربوط به طرحهای تحقیقاتی انجام شده به شرح زیر

منتشر می شود:

Home Office Research Studies (published by HMSO)
 Research and Planning Unit Papers
 Research Bulletin (bi-annual) eg. containing short accounts of
 recent projects.

Research findings eg. brief summaries of research reports

منابع و مآخذ (کتاب شناسی)

- (1) Courts Act 1971, Chapter 23
- (2) Prison disturbances April 1990: report of an inquiry by the Rt. Hon. Lord Justice Woolf (Parts I and II) and His Honour Judge Stephen Tumim (Part II), HMSO 1991 (Cm 1456)
- (3) s.1 Police Act 1964, Chapter 48
- (4) s.148 Magistrates' Court Act 1980, Chapter 43
- (5) s.13-16 Justices of the Peace Act 1979, Chapter 55
- (6) Magistrates' Courts: report of a scrutiny, HMSO, 1989
- (7) A new framework for local justice, HMSO, 1992 (Cm 1829)
- (8) s.70 Criminal Justice Act 1991, Chapter 53
- (9) Supervision and punishment in the community: a framework for action, HMSO, 1990 (Cm 966)
- (10) Partnership in dealing with offenders in the Community, Home Office, 1990
- (11) Report on the work of the Prison Service, April 1988-March 1989, HMSO, 1989 (Cm 835)
- (12) s.47 Prison Act 1952, Chapter 52
- (13) Prison Rules 1964- Statutory Instrument 388
- (14) Young Offender Institution Rules 1988- Statutory Instrument 1422
- (15) Management of the Prison Service : report by Admiral Sir Raymond Lygo KCB, Home Office 1991
- (16) Prosecution of Offences Act 1985, Chapter 23
- (17) s.50 Children and Young Persons Act 1933 Chapter 12 as amended by s.16 Children and Young Persons Act 1963, Chapter 37
- (18) s.1 Magistrates' Courts Act 1980, Chapter 43
- (19) Decision making in two English Police Forces, J B Morgan and D W B Webb Exeter 1984
- (20) Schedule Part 1 Bail Act 1976, Chapter 63
- (21) Criminal Law Act 1977, Chapter 45
- (22) s.40 Criminal Justice Act 1988, Chapter 33
- (23) s.12 Juries Act 1974, Chapter 23 as amended by s.118 of the Criminal Justice Act 1988, Chapter 33
- (24) Criminal Justice Act 1988, Chapter 33 and Home Office Circular 20/88
- (25) s.70 Criminal Justice Act 1991, Chapter 53
- (26) s.18 Criminal Justice Act 1991, Chapter 53

- (27) Unit fines: experiments in four courts, David Moxon, Carol Hedderman and Mike Sutton. Home Office 1990. (Research and Planning Unit Paper, No.59)
- (28) s.1(4) Criminal Justice Act 1982, Chapter 48
- (29) s.123 Criminal Justice Act 1988, Chapter 33
- (30) s.63 Criminal Justice Act 1991, Chapter 53
- (31) s.53 Children and Young Persons Act 1933, Chapter 12
- (32) s.8 Criminal Justice Act 1982, Chapter 48
- (33) Electronic monitoring: the trials and their results. G Mair and C Nee. HMSO, 1990 (Home Office Research Study 120)
- (34) s.24 Criminal Justice Act 1991, Chapter 53
- (35) Murder (Abolition of Death Penalty) Act 1965, Chapter 71
- (36) s.36 Criminal Justice Act 1988, Chapter 33
- (37) The Parole System in England and Wales - Report of the Review Committee. Chairman: The Rt. Hon. The Lord Carlisle of Bucklow QC, HMSO 1988 (Cm 532)
- (38) Victim's Charter: a statement of the rights of victims of crime, Home Office, 1990
- (39) Findings from the 1992 British Crime Survey, P. Mayhew and N. Aye Maung (Home Office 1992 Research findings, No.2)
- (40) The 1988 British Crime Survey, P. Mayhew, D. Elliot and L. Dowds. HMSO, 1989. (Home Office Research Study 111)

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ضمیمه شماره (۱)

Criminal Courts System

HOUSE OF LORDS
 (appeals on points of law of
 general public importance)
 دیوان کشور
 پژوهش‌خواهی در مورد مسائل حقوقی (قانونی)
 که جنبه عمومی آن‌ها از اهمیت است

COURT OF APPEAL
 Criminal Division
 دادگاه استیناف
 شعبه کیفری

CROWN COURT
 Indictable offences
 tried before judge
 and jury
 دادگاه جزا
 رسیدگی به جرایم قابل کیفر خواست در
 مقابل قاضی و هیأت منصفه

**DIVISIONAL COURT
 OF THE QUEEN'S BENCH
 DIVISION**
 (Hears appeals on points
 of law by way of case stated)
 دادگاه ملکه (شعبه ای از دادگاه عالی است)
 رسیدگی پژوهشی به صورت شکلی

MAGISTRATES COURT
 دادگاه صلح

Summary offences جرایم اختصاری (هیأت منصفه) حضور ندارد	Committal proceedings رسیدگی به منظور تشخیص قابلیت محاکمه در جرایم قابل کیفرخواست مطروح	Juvenile court دادگاه اطفال
---	--	--------------------------------